

نماینده ویژه آمریکا در افغانستان: افغان‌ها ما را می‌خواهند؛ عراقی‌ها نخواستند!




کابل و واشنگتن، دیدگاه‌های تازه‌ی را در مورد آینده نیروهای امریکایی در افغانستان مطرح کرده‌اند. در امریکا شماری از اعضای کانگرس آن کشور از آینده افغانستان نگرانی دارند و تعیین جدول زمانی برای خروج نیروهای‌شان را به نفع دو کشور نمی‌دانند. اما در کابل، مشاور امنیت ملی افغانستان می‌گوید: پلان کاهش نیروهای امریکایی به یک هزار تن پس از سال ۲۰۱۶ در افغانستان، حرف نهایی نیست....

ادامه صفحه ۶

داکتر عبدالله:

مسوول بن بست سیاسی کمرزی است



صفحه ۶

تیم اصلاحات و همگرایی:

در برابر کودتا علیه رأی مردم می‌ایستیم



انتخابات توسط پولیس و نیروهای اربکی حکومت لب و کوب و پس از لت و کوب زندانی شدند و صندوق‌های رأی دهی به نفع تیم رقیب پر شد. هموطن گرامی!...

ادامه صفحه ۶

برادر وخواهر گرامی! شما با رأی قاطع‌تان در سراسر کشور، سر نوشت‌تان را به سوی فردای بهتر رقم زدید؛ اما حکومت و کمیسیون انتخابات برای اجرای «پروژه کودتا علیه رأی مردم»، با پر کردن میلیون‌ها رأی تقلبی در صندوق‌ها از چند نقطه محدود کشور، به اراده و خرد جمعی مردم آگاه افغانستان توهین کردند. آیا این قابل باور است؛ دو ولایتی که از حیث نفوس و تعداد وکلای پارلمان یکسان‌اند، اما مردم شریف یک ولایت هشتاد هزار رأی داده باشند و به نام مردم شریف ولایت دیگر، باوجود شرایط نا مساعد امنیتی بیش از چهار صد هزار رأی در صندوق‌ها پر شده باشد؟ واقعیت این است که در بیشتر مناطق نا امن کشور، عده‌ی از بزرگان و متنفذان مردمی در روز

ملت سربلند، آزاده و صلح‌خواه افغانستان، السلام و علیکم و رحمت‌الله و برکاته! سلام و درود خداوند بر شهدای راه اسلام، استقلال و آزادی و درود و سلام بر شهدای عزیز که در جریان کمپاین‌های انتخاباتی و روزهای برگزاری انتخابات جان‌های عزیزشان را از دست دادند. شما که به امید آینده بهتر، در ۱۶ حمل ۱۳۹۳ با قبول خطرات جانی و تحمل مشکلات جوی به پای صندوق‌های رأی رفتید و با رأی میلیونی‌تان تیم اصلاحات و همگرایی را تا دروازه پیروزی همراهی کردید و در دور دوم انتخابات در ۲۴ جوزا ۱۳۹۳ نیز با اکثریت قاطع آرای‌تان تیم اصلاحات و همگرایی را به پیروزی رساندید، از شما سپاس گذار هستیم.

حامد کرزی در پیوند به تنش‌های انتخاباتی:

خیر و خیریت است!



بر بنیاد خبرنامه ارگ، حامد کرزی هر دو کاندیدای ریاست جمهوری را شخصیت‌های بزرگ افغانستان خوانده، گفت: « دو نفر کاندیدای محترم در انتخابات دور دوم ریاست‌جمهوری داریم، این‌ها بزرگان و شخصیت‌های محترم افغانستان هستند و همه ما با هر دوی آنان شناخت داریم...»

ادامه صفحه ۶

رییس‌جمهور کرزی روز گذشته در دیدار با اعضای شورای علمای افغانستان در کاخ ریاست‌جمهوری گفته است که بروز اختلافات در جریان انتخابات یک امر طبیعی است. آقای کرزی گفت: اختلافات و به‌وجود آمدن شک و تردید در جریان انتخابات یک امر طبیعی است؛ اما اصلاح و رسیده‌گی به خواست‌های نامزدان، وظیفه کمیسیون‌های انتخاباتی و ادارات مربوط مطابق به قوانین نافذ کشور است. این اظهارات درحالی ابراز می‌شود که داکتر عبدالله نامزد پیش‌تاز انتخابات ریاست‌جمهوری، رییس‌جمهوری را متهم به جانب‌داری از تیم رقیب می‌کند و می‌گوید که عامل بن بست کنونی آقای کرزی است.

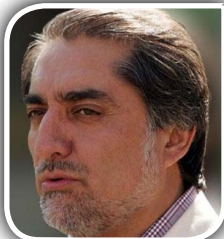
اسلام‌آباد به کابل:

رهبر طالبان پاکستانی را تسلیم کنید



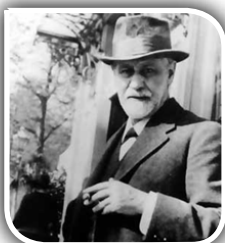
پاکستان اعلام کرده که به دنبال استرداد رهبر تحریک طالبان پاکستان از افغانستان و منحل کردن و از میان برداشتن مخفیگاه‌های این گروه شبه‌نظامی در ولایات نورستان و کنر است. به گزارش خبرگزاری پی.تی.آی، محمود خان اچکزئی، یکی از رهبران پشتون این درخواست برای استرداد ملا فضل‌الله، رهبر تحریک طالبان پاکستان را از جانب نواز شریف،... ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



نقش تاریخی داکتر عبدالله

چرا فروید از امریکا متنفّر بود؟



گوستا و فلوبر

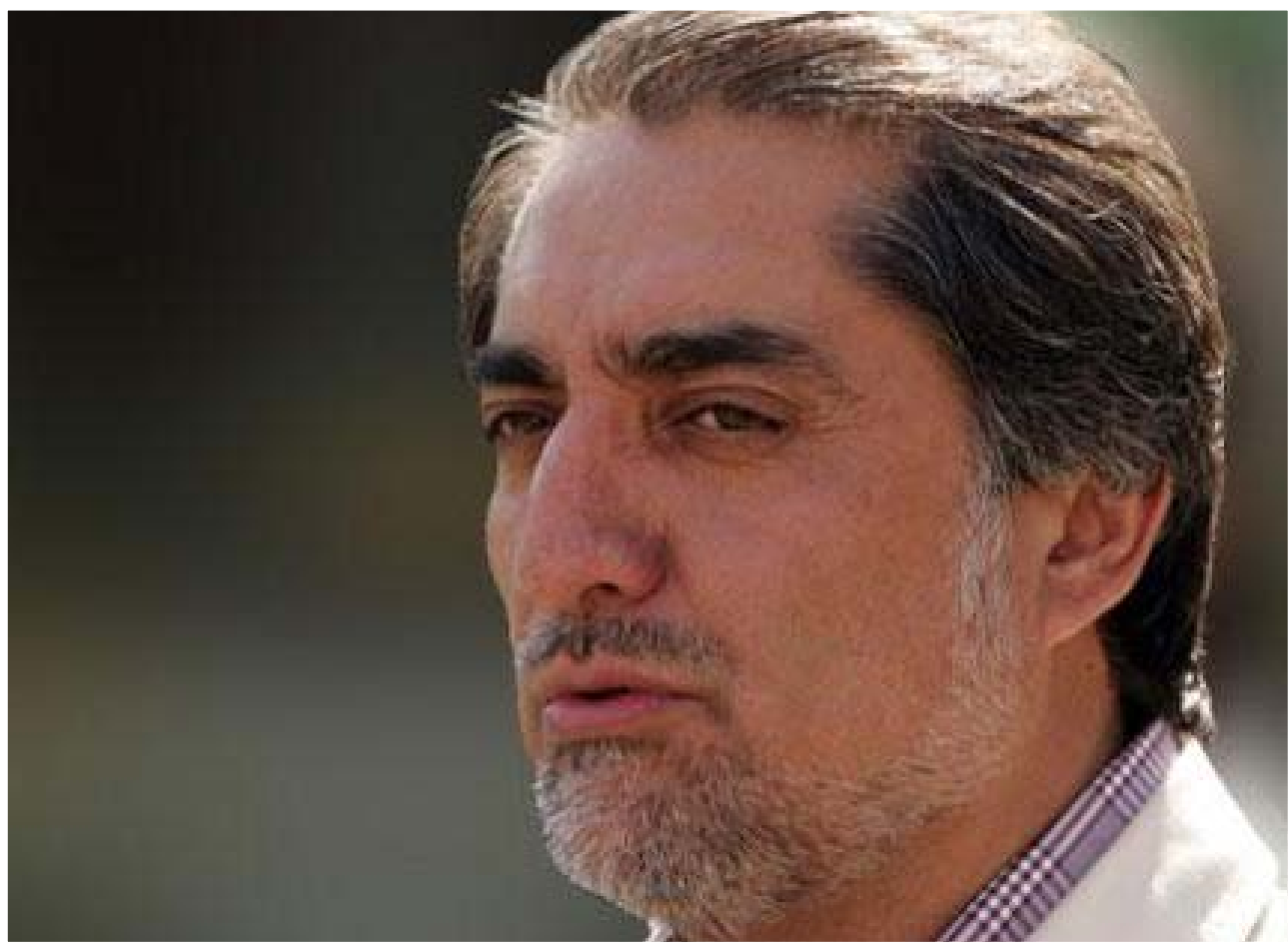


بزرگان قومی: ۵۰۰۰ کارمند کمپسیون به نفع تیم تحول و تداوم تقلب کردند



احمد عمران

نقش تاریخی داکتر عبدالله



اصلاحات و همگرایی بنویسند.

عده‌یی که در خلق بحران مهارت کامل دارند، در پی پیروزی هیچ‌یک از دو تیم موجود نیستند، بل می‌خواهند با بحران آفرینی، از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. تیم تحول و تداوم نیز این را به‌خوبی می‌داند، ولی از آن‌جایی که نمی‌خواهد هیچ رسالت تاریخی‌یی را به عهده بگیرد، در برابر وضعیت بحرانی فعلی دم فرو بسته است. تاریخ فرزندان خود را به‌خوبی شناسایی می‌کند و می‌داند که کی‌ها می‌توانند تاریخ را تغییر دهند. مگر در دوران جهاد افغانستان، کی‌ها نقش تاریخی خود را در برابر کشور و ارزش‌های اسلامی و انسانی ایفا کردند؟ مگر هزاران فرد این کشور پس از کودتای ثور، به عافیت‌گاه‌های غرب پناهنده نشدند و کشور و مردم آن را به فراموشی نسپردند. استدلال آن‌ها در آن زمان چنین بود که کسی با ازدهای سرخ درافتاده نمی‌تواند و جهاد افغانستان، مشت بر آهن کوبیدن است. ولی دیدیم که تاریخ فرزندان خود را از میان همین مردم شناسایی کرد و رسالت بزرگ دفاع از کین اسلامی را به آن‌ها سپرد.

امروز نیز داکتر عبدالله از چنین نقشی در تاریخ برخوردار شده است. این نقش را خودش نساخته است. اگر این نقش را خودش می‌ساخت، به‌ساده‌گی فریفته قدرت و مقام می‌شد و صحنه را ترک می‌کرد. این نقش را برای داکتر عبدالله تاریخ مشخص کرده است. پس آن‌چه که به‌وقوع می‌پیوندد، به سرنوشت جمعی تمام مردم افغانستان مربوط می‌شود. داکتر عبدالله حالا به نماد افغانستان تبدیل شده است. او فریاد میلیون‌ها انسانی است که می‌خواهند در زنده‌گی‌شان تغییر وارد شود. داکتر عبدالله اگر نسبت به این نقش بی‌تفاوتی اختیار کند و یا آن را به معامله بگذارد، مردم و نسل‌های آینده او را نخواهند بخشید. پس یگانه چاره کار این است که در کنار تیم اصلاحات و همگرایی، از حق خود در ۲۴ جوزا حمایت کنیم. افغانستان دیگر راهی برای برگشت و سازش با تمامیت‌خواهان و گروه‌های ضد مردمی ندارد!

برخی‌ها با انتقاد از مواضع داکتر عبدالله، او را به آرامش و حرکت‌های مصلحت‌گرایانه فرا می‌خوانند. این قبیل افراد عمدتاً دو نوع‌اند که دو برداشت متفاوت از وضعیت دارند. برخی از این منتقدین فکر می‌کنند که مواضع داکتر عبدالله صرفاً به وضعیت خودش در انتخابات ۲۴ جوزا مربوط می‌شود و با این موضع‌گیری‌ها می‌خواهد اعاده حق کند. منتقدین دسته دوم باور دارند که اگر آقای عبدالله حق به جانب هم هست، باید سکوت اختیار می‌کرد و مواضع تند از خود نشان نمی‌داد. به باور این دسته از منتقدین، افغانستان در وضعیت خطرناکی قرار دارد و ممکن است که مواضع رهبر تیم اصلاحات و همگرایی، کشور را به سمت بحران و یا جنگ داخلی بکشاند.

هر دو طیف از منتقدان البته از سر خیرخواهی چنین فکر می‌کنند و به زعم خود، مصلحت جامعه را در نظر گرفته چنین می‌گویند. در این‌که مقداری از حقایق در دیدگاه‌های این افراد وجود دارد، نمی‌توان تردید کرد. بلی داکتر عبدالله تلاش می‌کند که حق خود را از تقلب‌کاران بگیرد؛ ولی این حق تنها از شخص داکتر عبدالله نیست. این حق میلیون‌ها انسانی است که به پای صندوق‌های رای رفتند و با به خطر انداختن جان و زنده‌گی خود، در انتخابات شرکت ورزیدند. آیا می‌شود که حق دیگران را تضییع کرد؟

شاید اگر تنها موضوع بحث شخص داکتر عبدالله بود، می‌شد از او درخواست کرد که چنین مواضع تند و سریعی از خود نشان ندهد. ولی این‌جا بحث یک فرد و یا یک تیم نیست، بل بحث مصالح یک کشور است؛ کشوری که مردم آن در بدترین وضعیت ممکن دوبار مجبور شده‌اند که به پای صندوق‌های رای بروند. و اما آنانی که نگران خلق بحران در کشور اند، باید بدانند که بحران را نه تیم اصلاحات و همگرایی و نه شخص داکتر عبدالله خلق کرده‌اند و یا خلق خواهند کرد؛ بحران در کشور داستانی طولانی دارد و عاملان آن در سیزده سال گذشته کسانی نبوده‌اند که نتوان آن‌ها را تشخیص کرد. بحران را دیگران خلق کرده‌اند و می‌خواهند آن را به پای تیم

سخنان و مواضع روز پنج‌شنبه داکتر عبدالله رهبر تیم اصلاحات و همگرایی، در حقیقت باید برخورد رادیکال با تقلب و مهندسی در انتخابات افغانستان خوانده شود. داکتر عبدالله در یک نشست خبری، مسایل بنیادی انتخابات ۲۴ جوزا را آشکار و مواضع خود را در قبال بازی با رای مردم اعلام کرد. او هم‌چنین گفت که افغانستان پس از برگزاری دور دوم انتخابات، دچار بن‌بست سیاسی شده است. آقای عبدالله کمیسیون انتخابات و رئیس‌جمهوری را عاملان اصلی وضعیت فعلی دانست. این برخورد و موضع‌گیری در رابطه با یکی از مهم‌ترین روندهای ملی کشور، می‌تواند صفحه تازه‌یی در تاریخ مردم‌سالاری در کشور باز کند؛ صفحه‌یی که بدون شک در سیزده سال گذشته با مصلحت‌گرایی‌های کشنده تیم حاکم، بسته نگه داشته شده بود و جلو هرگونه تغییر و اصلاحات اساسی به سود مردم را به نفع گروه حاکم مصادره می‌کرد.

داکتر عبدالله با اعلام موضع سخت‌افزارانه نشان داد که مسوولیت تاریخی خود را حاضر نیست به هیچ‌عنوان فرو گذارد و یا با آن معامله سیاسی کند. شخصیت‌ها و جریان‌های سیاسی، گاهی در تاریخ در برابر اصلی‌ترین تصمیم زنده‌گی‌شان قرار می‌گیرند؛ چنان تصمیمی که می‌تواند سرنوشت جمعی را دچار تحول و دگردیسی سازد. اگر رهبرانی و تصمیم‌هایی از این دست نباشند، رکود و انجماد جامعه را فرا می‌گیرد و همه چیز رنگی را که تمامیت‌خواهان دوست دارند، به خود می‌گیرد.

اما انسان‌های تاریخ‌ساز وقتی حس کنند که مسوولیتی بزرگ در برابر مردم و کشور بر شانه‌هایشان سنگینی می‌کند، فریاد عدالت‌خواهانه سر می‌دهند و جامعه را دچار تحول می‌سازند.

داکتر عبدالله نیز چنین نقشی را در افغانستان به عهده گرفت؛ نقشی را که تاریخ می‌توانست به دوش هر کسی بگذارد، ولی هر کسی حاضر نیست چنین مسوولیت خطیری را به عهده بگیرد.

داکتر عبدالله با توجه به وضعیت کشور و آن‌چه که قرار است پس از این اتفاق بیفتد، در برابر خودکامه‌گی و تمامیت‌خواهی قد علم کرد.

سخن ماندگار

بحران را جدی بگیرید!

سرانجام، نامزد پیش‌تاز انتخابات داکتر عبدالله عبدالله، به دنبال محقق نشدن شرط‌هایش، روابط ستاد خود را با کمیسیون انتخابات به حالت تعلیق درآورد. اما این حرکت، هیچ تأثیری بر موضع متولیان کمیسیون‌های انتخاباتی نداشت و آن‌ها کارشان را طبق روال معمول ادامه دادند.

دوام این وضع باعث شد که ستاد انتخاباتی داکتر عبدالله، ادامه شمارش آرا را غیرقانونی بخواند و نیز از جامعه جهانی تقاضا کند که در انتخابات دخالت کرده و این پروسه را زیر نظر بگیرد.

سوگ‌مندانه که هیچ‌یک از شرط‌ها و هشدارهای این نامزد انتخاباتی جدی گرفته نشد و تا کنون روشن نیست که ادامه این وضعیت به کجا منتهی می‌گردد.

تا این‌جا موضع حکومت روشن است که عملاً کار شمارش آرا را در پی یک انتخابات فوق‌العاده پرتقلب و شرم‌آور ادامه می‌دهد. کمیسیون‌های انتخاباتی نیز در چنین شرایطی، کاری جز اجرای وظیفه ندارند که از سوی حکومت به آن‌ها دیکته می‌شود. اما جای تأسف آن‌جاست که برخی از نهادهای مربوط به جامعه جهانی، همه را به آرامش فرا می‌خوانند و تذکر می‌دهند که همه باید تا پایان شمارش آرا منتظر بمانند. در حالی که مطابق گزارش‌ها و اسناد منتشرشده، این پروسه اصلاً شفاف و مورد پذیرش مردم نیست.

در پیوند به این وضع، اعتراض‌های مدنی و نرم از همین اکنون آغاز شده است، لازم است تا جامعه جهانی نیز در این مورد، طرف مردم افغانستان را بگیرد. مردم در بدترین وضع دو بار پای صندوق‌های رای رفتند، خطر را به جان خریدند و حتا انگشت‌هایشان را از دست دادند و اکنون حق دارند که در برابر یک تقلب گسترده و میلیونی اعتراض کنند، چون این عمل حکومت جز توهین به اراده مردم، چیز دیگری نمی‌تواند باشد. اندکی دقت نشان می‌دهد که خواسته‌های مردم افغانستان کاملاً برحق است. مردم خواستار به تعلیق درآمدن وظیفه یک تقلب‌کار شدند، خواستار توقف شمارش آرای تقلبی شدند، خواهان جدا شدن آرای پاک از ناپاک شدند. به‌راستی، کدام‌یک از این خواسته‌ها برحق نیست که حکومت به آن تمکین نمی‌کند؟

حالا اگر حکومت بنا بر منافع پنهان خود خشم مردم را تحریک می‌کند و به خواسته‌ها و اعتراض‌های مشروع و قانونی آن‌ها پاسخ نمی‌دهد، تقصیر مردم چیست؟ جامعه جهانی باید در کنار مردم افغانستان بایستد؛ زیرا افغانستان هیچ گزینه دیگری غیر از انتخابات ندارد. انتخابات تنها راه انتقال مسالمت‌آمیز قدرت است؛ اما سوگ‌مندانه که اکنون با توهین به اراده مردم، با پُر کردن صندوق‌ها از آرای جعلی، انتخابات تبدیل به یک ابزار سیاسی و گروهی شده که مردم دارند اعتمادشان را نسبت به آن از دست می‌دهند.

در این میانه هیچ‌کس بیشتر از آقای کرزی مقصر نیست که آگاهانه اجازه می‌دهد تقلب‌کاران یک پروسه مشروع و قانونی را مطابق میل خودشان مدیریت کنند و آرای مردم را بدزدند. به‌یقین که آقای کرزی در این غایله ذی‌نفع است ورنه هیچ دلیلی وجود ندارد که دست زیر لاشه نشست و رفتن کشور را به سوی بحران، نظاره کند. به نظر می‌رسد که هنوز هم دیر نشده است. اگر حکومت و کمیسیون‌های انتخاباتی سعی در حفظ ثبات ندارند، دست‌کم از جامعه جهانی توقع می‌رود که افغانستان را در این شرایط تنها نگذارد و ضمن حفظ بی‌طرفی در انتخابات کنونی، از آرای پاک مردم پشتیبانی کند. در شرایط حساس موجود، هر آن ممکن است همه رشته‌های سیزده ساله پنبه گردد. آن‌گاه هیچ گروهی سود نخواهد برد و نیز تنها زیان‌مند این وضع، مردم افغانستان خواهند بود که به‌یقین هیچ جناح و یا نهادی نمی‌خواهد چنین شود.

فواز جرجس مدرسه اقتصاد لندن - بی بی سی

برای نجات عراق چه باید کرد؟



این گروه شده است. این نیروها و قبایل، خواهان احتیاط و مشاوره بیشتر در تصمیم‌ها هستند. حتی اگر حکومت عراق مجدداً کنترل شهرهای تحت تصرف داعش را بدست بگیرد، قادر نخواهد بود بدون تمرکز زدایی از فرآیندهای تصمیم‌گیری و واگذاری اختیاراتش به نهادهای محلی با مردم این مناطق به آشتی برسد.

مرگ نظم حاکم پیشین اقوام و مذاهب مختلف عراق باید بتواند اداره امور خود را بدست بگیرند و احساس کنند که در پروژه ملی سهم دارند. این امر برای نجات حکومت شکننده عراق و رها کردن کشور از شر داعش و دیگر گروه‌های شورشی حیاتی است. نظم حاکم پیشین مرده است، و به نوسازی نظام سیاسی و اجتماعی کشور در چارچوب حقوق شهروندی و حکومت قانون نیاز مبرم وجود دارد.

آشتی ملی و نهاد سازی بدون برقراری یک قرارداد اجتماعی تازه بر مبنای تمرکز زدایی از قدرت و تقسیم منصفانه منابع ممکن نیست. البته با توجه تعمیق گسل‌های موجود میان عراقی‌ها و فقدان اعتماد میان آنها، هیچ تضمینی برای موفقیت وجود ندارد.

کردها که فعلاً بزرگترین برنده وضعیت جدید هستند، ممکن است تمایلی به واگذار کردن دستاوردهای جدیدشان نداشته باشند. آنها شهر استراتژیک کرکوک و منابع نفتی غنی آن را تصرف کرده، و مشغول تحکیم مرزهای منطقه تحت کنترلشان هستند. رهبران عرب سنی هم با واقعیت‌های عراق بعد از صدام کنار نیامده و هنوز خیال خام حکومت بر کشور را در سر می‌پروراند. روسای قبایل مشغول تشویق داعش هستند و بنظر می‌رسد که از پیروزی پرهزینه سرمست هستند.

انحصار شیعیان آقای مالکی و دیگر رهبران شیعه مسوولیت بزرگتری در ناکامی عراق دارند.

رهبران شیعه عراق که بعد از حمله آمریکا و سرنگونی صدام حسین خود را صاحب کشور یافتند، با اعراب سنی مانند شهروندان درجه دو رفتار کردند و اکثریت عددی خود را به منزله مجوزی برای در انحصار قدرت دانستند.

آینده عراق در گرو برپا خاستن طبقات و اقشار اجتماعی حاکم و برعهده گرفتن وظیفه تاریخی‌شان، و اولویت دادن منافع ملی بر منافع گروهی است. اگر بنا بر تکرار تاریخ باشد، نخبگان حاکم بر عراق ممکن است یک بار دیگر در انجام وظیفه‌شان در قبال مردم عراق کوتاهی کنند. چنین چیزی عواقب فاجعه‌باری برای این کشور جنگ‌زده، و همچنین نظام منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد داشت.

آقای مالکی می‌خوانند. هفته گذشته، با ورود پیکارجویان به شهر موصل، سربازان و نیروهای پلیس به صورت دست‌جمعی فرار کردند.

در بطن منازعه شدیدی که عراق را در خود فرو برده، یک نظام سیاسی در هم شکسته قرار دارد، که بر توزیع رانت قدرت به موازات مرزبندی‌های مذهبی، قومی و قبیله‌ای مبتنی است، و بعد از حمله آمریکا به عراق و اشغال این کشور در سال ۲۰۰۳ شکل گرفت.

اعراب سنی بخصوص در چهار سال اخیر احساس کرده اند که در نتیجه سیاست‌های فرقه محور آقای مالکی منزوی، و از جریان امور کنار گذاشته شده اند. وقتی آمریکا در سال ۲۰۱۱ عراق را ترک کرد، محبوبیت القاعده در میان سنی‌های این کشور رو به افول بود. حالا با گذشت سه سال، داعش توانسته با یافتن پایگاهی اجتماعی در میان اعراب سنی ناراضی و کنار گذاشته شده، خود را احیا کند.

تفویض اختیارات دولت مرکزی کلیک ابوبکر البغدادی، رهبر داعش، با بهره گرفتن از موقعیتی که قیام مسلحانه علیه بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه، برایش ایجاد کرد به گسترش دامنه فعالیت‌هایش به این کشور همسایه پرداخت و پایگاه قدرتمندی ایجاد کرد که نیروهای بیشتر و کمک‌های مالی و عملیاتی ارزشمندی را در اختیارش قرار داده است. داعش با گروه‌های شورشی سنی، نظیر افسران ارتش منحل شده صدام حسین، متحد شده، و صدها نفر از این پیکارجویان زنده را جذب صفوف خود کرده است. این نقطه عطفی در توانایی داعش در برنامه‌ریزی و اجرای عملیات‌های پیچیده در عراق و سوریه است. در فلوجه، موصل، تکریت و شهرهای دیگر، سنی‌ها از پیکارجویان القاعده در قامت نیرویی آزادی‌بخش استقبال کردند.

نکته مسأله‌سازتر این است که گزارش می‌شود افسران سنی که از پایگاه‌هایشان فرار کرده اند، می‌گویند که برای دولت آقای مالکی نخواهند جنگید. این اتفاق نشان‌دهنده وخامت اختلاف سیاسی-فرقه‌ای در عراق امروز است. به این ترتیب درک علت فروپاشی حیرت انگیز نیروهای امنیتی عراق آسان‌تر می‌شود.

قبایل سنی و افسران سابق و ناراضی ارتش تکلیف مثلث سنی‌نشین را روشن کردند. داعش برای اعراب سنی صرفاً ابزار قدرتمندی برای ابراز ناراضی‌هایشان است. اما این ابزار می‌تواند نهایتاً آرزوهای سنی‌ها و دولت عراق را یکسره از بین ببرد. نشانه‌هایی از این امر از همین حالا هویداست. در موصل، داعش از همین ابتدا قوانین سختگیرانه‌اش را حاکم کرده، و این مسأله باعث شکایت و نگرانی نیروهای مذهبی-ملی‌گرا و قبایل متحد

صرفنظر از توفیق یا عدم موفقیت احتمالی حکومت عراق در پس زدن پیشروی‌های دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، ضربه مرگباری به اقتدار دولت مرکزی وارد شده است.

موفقیت داعش در تصرف بخش اعظم منطقه موسوم به مثلث سنی‌نشین و همچنین شهر موصل با جمعیتی حدود دو میلیون نفر، در حکم میخ محکمی بر تابوت پروژه ملت‌سازی در عراق دوران پس از صدام حسین است.

نهادهای حکومتی شکننده عراق رو به اضمحلال هستند. معلوم نیست بغداد دیگر هرگز بتواند انحصارش در توسل به زور در سراسر کشور را احیا کند، یا اقتدار و کنترل متمرکز خود را بر اعراب سنی و کردستان نیمه مستقل برقرار سازد. بهترین حالت برای عراق این است که بغداد در مناطق مختلف قدرت و اختیارات خود را به شیعیان، اعراب سنی و کردهای سنی تفویض کند. بدترین گزینه ممکن هم تقسیم کشور به سه واحد مجزاست.

پیشروی برق‌آسای داعش نقایص و ضعف‌های ساختاری و نهادی، و همچنین شکاف‌های عمیق ایدئولوژیک و فرقه‌ای موجود در این کشور را آشکار کرده است. بعد از هشت سال حکومت و در انحصار گرفتن قدرت، نوری مالکی، نخست وزیر عراق، نه توانسته امنیت را برقرار کند، و نه آشتی و رفاه ایجاد کرده است.

نیروهای امنیتی عراق که شمارشان به صدها هزار نفر می‌رسد، در مقابل حمله خیره کننده تنها چند هزار پیکارچو تا آستانه فروپاشی پیش رفتند. پیکارجویانی مرتبط با القاعده که به سلاح‌های سبک مسلح هستند.

بیش از یک دهه پس از اینکه آمریکایی‌ها صدام حسین را سرنگون، و ارتش او را منحل کردند، ارتش از نو ساخته شده عراق فاقد هویتی وحدت‌بخش و روحیه حرفه‌ای است، و فساد مالی و اداری در آن بیداد می‌کند. برای مثال، در شهر موصل پیکارجویان داعش بدون هیچ دردسری در شهر می‌گشتند، چون افسران ارتش پیش از ورود آنها مواضع و سلاح‌هایشان را رها کرده، و سربازان را راهی خانه کرده بودند. در موصل یک نیروی امنیتی متشکل از ده‌ها هزار نفر مثل برف آب شد. در تلاش برای کمک به یک کشتی در حال غرق شدن، یکی از نمایندگان آیت‌الله علی سیستانی، عالی‌ترین مقام مذهبی شیعه در این کشور، گفت که «دفاع از عراق، مردمش و اماکن مقدسش بر هر شهروندی که توان حمل سلاح و جنگیدن با تروریست‌ها را دارد، واجب است.»

یک ارتش موازی حدوداً ۱۰۰ هزار نفری متشکل از شیعیان هم به این دعوا اضافه شده، و خطر تشدید اختلافات فرقه‌ای را بیشتر کرده است. دفتر آیت‌الله سیستانی که نگران سوء برداشت از سخنان او بود، بعداً با ارائه توضیحاتی در این باره به هوادارانش هشدار داد که «هیچگونه حرکتی که ماهیت فرقه‌ای یا ملی‌گرایانه داشته باشد و به یکپارچگی ملت عراق لطمه بزند» انجام ندهند.

نظام درهم شکسته در بسیاری از گزارش‌های رسانه‌های غربی درباره مهارت و دستاوردهای نظامی داعش مبالغه می‌شود. قدرت این گروه نه فقط از ضعف حکومت عراق، که از شکاف‌های فرقه‌ای و اجتماعی عمیق جامعه عراق نشأت می‌گیرد، و نشان‌دهنده شوریدن قبایل عرب سنی علیه چیزی است که اقتدارگرایی فرقه‌ای

سازمان ملل: بیش از ۵۰ میلیون نفر به خاطر جنگ بی‌خانمان شده‌اند



آژانس آوارگان سازمان ملل اعلام کرد: تعداد افرادی که به واسطه جنگ و درگیری از زمان جنگ جهانی دوم مجبور به ترک خانه‌هایشان شده‌اند، برای اولین بار به بیش از ۵۰ میلیون تن رسیده است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، آژانس آوارگان سازمان ملل اعلام کرده که در آخر سال ۲۰۱۳، ۵۱٫۲ میلیون نفر به خاطر جنگ و درگیری در کشورهایشان در سراسر جهان مجبور به ترک محل زندگی‌شان شده‌اند که سوریه در راس آن قرار دارد و این روند از سال گذشته ۶ میلیون بیشتر است.

آژانس آوارگان سازمان ملل در گزارش سالانه خود آورده است که درگیری‌ها و ناآرامی‌ها در سوریه مقصر اصلی افزایش تعداد آوارگان سال گذشته میلادی محسوب می‌شود.

از زمان آغاز ناآرامی‌ها در این کشور در مارس ۲۰۱۱، ۲٫۵ میلیون تن سوریه را ترک گفته و ۶٫۵ میلیون نفر دیگر نیز در داخل این کشور مجبور به ترک شهر و محل زندگی خود شده‌اند.

جمهوری آفریقای مرکزی و سودان جنوبی نیز پس از سوریه قرار دارند.

آنتونیو گوتیرس، رییس این آژانس گفت: ما شاهد هزینه‌های بیشمار پایان نیافتن این جنگ‌ها و ناکامی در حل مناقشات منطقه‌ای و جلوگیری از درگیری‌ها هستیم. متأسفانه صلح در منطقه و در سراسر جهان دیگر یافت نمی‌شود و کمک‌های بشردوستانه آنچنان که باید به دست افراد نمی‌رسد. راه‌حل‌های سیاسی همچنان یک ضرورت اصلی برای از میان برداشتن درگیری‌ها محسوب می‌شود و بدون این راه‌حل‌ها سطح خشونت‌ها و درگیری‌ها همچنان غیرنظامیان را تهدید می‌کند.

هم‌چنین بنابر گزارش آژانس آوارگان سازمان ملل تعداد آوارگان در سراسر جهان ۱۶٫۷ میلیون نفر اعلام شده که بیشترین از سال ۲۰۰۱ محسوب می‌شود. همچنین در مجموع ۶٫۳ میلیون نفر نیز بیش از ۵ سال است که در تبعید به سر می‌برند و بیشترین جمعیت آوارگان تحت مراقبت و نظارت آژانس آوارگان سازمان ملل مربوط به افغانستان، سوریه و سومالی است که در مجموع بیش از نیمی از آوارگان جهان را تشکیل می‌دهند.

اصلی‌ترین کشورهای میزبان نیز پاکستان، ایران و لبنان هستند. مناطقی که بیشترین تعداد آوارگان در آنها به سر می‌برند، آسیا و اقیانوسیه و در مجموع با ۳٫۵ میلیون تن در صدر قرار دارند.

همچنین در حالی که اکثر آوارگان توسط کشورهای فقیر نگهداری و مراقبت می‌شوند و اردوگاه‌های آنها در این کشورها مستقر شده است، عفو بین‌الملل اعلام کرده که کشورهای ثروتمند نیز باید در کنار این کشورهای فقیر به حمایت از آوارگان بپردازند.

عفو بین‌الملل در این باره اعلام کرده که سه کشور اردن، لبنان و ترکیه تنها در سال گذشته میلادی میزبان یک میلیون و ۵۲۴ هزار و ۹۷۹ آواره سوری بودند و این در حالی است که ۲۸ کشور اتحادیه اروپا تنها کمتر از ۳۰ هزار و ۵۰۰ آواره سوری را پناه داده و آلمان با اکثریت ۲۵ هزار و پانصد آواره سوری در راس این کشورها قرار دارد.

عفو بین‌الملل همچنین چین و روسیه را به خاطر عدم استقبال و میزبانی از آوارگان در سال ۲۰۱۳ مورد نکوهش قرار داد.

آژانس آوارگان سازمان ملل همچنین در گزارش خود اعلام کرده که ۳۳٫۳ میلیون تن در جهان در کشورهایشان بی‌خانمان و آواره هستند و این افراد در مناطقی زندگی می‌کنند که امکان دسترسی کمک‌های بشردوستانه به آن مناطق دشوار است.

صدر دومین حکم اعدام علیه رهبر اخوان المسلمین مصر

که علیه آنها حکم صادر شده فراری هستند و به شکل غیابی احکام آنها صادر شده است.

صدر احکام اعدام علیه رهبران اخوان المسلمین تنها ۱۰ روز پس از ادای سوگند عبدالفتاح السیسی، فرمانده پیشین نیروهای مسلح مصر به عنوان رئیس‌جمهور جدید این کشور صورت می‌گیرد.

پیش تر نیز دادگاه جنایی قاهره محمد بدیع را به اتهام قتل تظاهر کنندگان مصری به اعدام محکوم کرده بود که تأیید این احکام منوط به موافقت مفتی اعظم مصر با آن است.



ادعام صادر کرده است. بنا به گفته مسوولان قضایی مصر چهار تن از کسانی

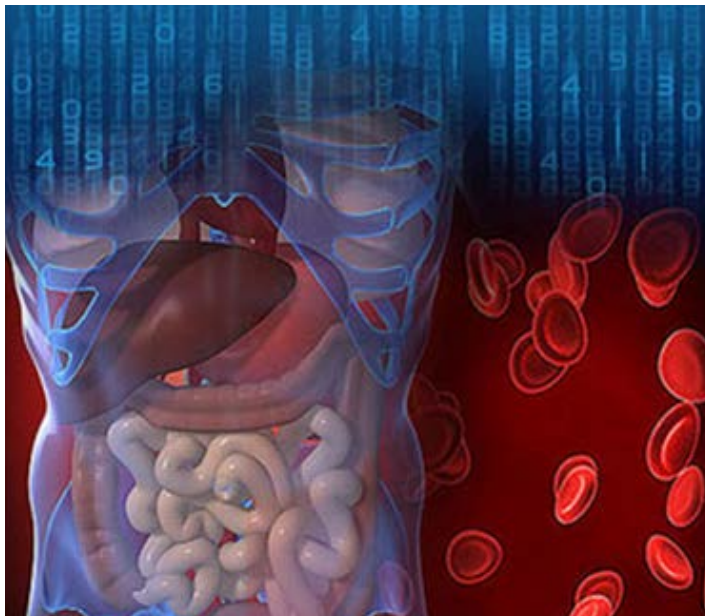
دادگاه مصر دومین حکم اعدام رهبر اخوان المسلمین و ۱۱ تن از اعضای ارشد این گروه را صادر و برای تأیید به دفتر مفتی اعظم مصر ارسال کرد.

به گزارش روزنامه مصری الیوم السابع، این حکم در رابطه با خشونت‌های جولای ۲۰۱۳ در قاهره صادر شده که به کشته شدن ۱۰ تن انجامیده است.

دادگاه جنایی قاهره محمد بدیع، رهبر اخوان المسلمین و ۱۱ تن دیگر از اعضای این گروه را در قتل مصری‌ها از جمله نبیل فراج، از افسران ارشد وزارت کشور مقصر دانسته و علیه آنها حکم

بخش دوم

۹ نشانه سرطان خون را بشناسید



لوسمی، نوعی سرطان خون یا مغز استخوان است. در این بیماری، سلول‌های خون به‌ویژه سلول‌های سفید شکل غیرعادی پیدا می‌کند. این سلول‌های سفید خون، حاوی دی.ان.ای آسیب دیده است که به رشد غیرعادی و تکثیر سلول‌ها در خون منجر می‌شود.

به طور معمول پس از مدتی، سلول‌های سفید از بین می‌رود و سلول‌های خون جدید که در مغز استخوان تولید می‌شود، جایگزین آن می‌گردد. اما این سلول‌های غیرعادی به‌آسانی از بین نمی‌رود و فضای بیشتری را اشغال می‌کند و برای سلول‌های عادی مشکلاتی را به‌وجود می‌آورد. در نهایت، سلول‌های طبیعی خون کاهش پیدا می‌کند.

علامت این بیماری:

لکه‌های بنفش یا جوش‌های ریز و سرخ روی پوست این جوش و لکه‌ها، اغلب به صورت خوشه‌ی ظاهر می‌شود و گاهی با جوش‌های ریز اشتباه گرفته می‌شود.

درد استخوان و مفاصل

درد عمیق استخوان‌ها، یکی از علائم آشکار سرطان خون است که در بیماری‌های دیگر شایع نیست. درد هنگامی بروز می‌کند که مغز استخوان، بر اثر تراکم غیرعادی سلول‌های سفید خون موجود در مغز استخوان، منبسط می‌شود. استخوان‌های بلند پا و دست، اصلی‌ترین محل بروز این درد است.

سر درد

یکی از علائم این بیماری که به‌ندرت گزارش می‌شود، سردرد مکرر، شدید و طولانی است. برخی بیماران با درد از خواب بیدار می‌شوند. رنگ‌پریده‌گی همراه با سردرد نیز از دیگر علائم آن است. زیرا جریان خون‌رسانی به مغز و ستون فقرات محدود می‌شود. در برخی موارد، فرد دچار صرع نیز می‌شود.

افت میزان گلبول‌های قرمز سالم

با پایین آمدن تعداد گلبول‌های قرمز، سلول‌ها قادر به اکسیژن‌رسانی به تمام بدن نیستند. در نتیجه فرد دچار کم‌خونی و خسته‌گی مفرط می‌شود که به‌صورت ضعف عضله و کمبود انرژی جسمی و بی‌خوابی آشکار می‌گردد. در این شرایط فرد قادر به انجام دادن کارهای جسمی و روزمره نیست. برخی بیماران دچار افسرده‌گی یا کسالت می‌شوند.

خون‌ریزی بدون دلیل

هر نوع خون‌ریزی بدون علت می‌تواند از علائم سرطان خون باشد. این بیماری میزان پلاکت خون را پایین می‌آورد و مانع لخته شدن خون می‌شود. کبودی ناگهانی و بدون علت نیز از علائم این بیماری است. این کبودی‌ها اغلب در انگشتان، بین انگشتان، دست‌ها، شکم و کمر ظاهر می‌شود و تیره‌تر از کبودی‌های معمولی است. هم‌چنین قطع نشدن خون‌ریزی ناشی از بریده‌گی، خون‌بینی شدن مکرر و بدون دلیل و خون‌ریزی از بیره، از علائم این بیماری است. زنان نیز در دوران قاعدگی دچار خون‌ریزی غیرعادی زیاد و طولانی‌مدت می‌شوند.

کاهش قدرت سیستم ایمنی بدن

سرطان خون شدید یا مزمن، سیستم ایمنی بدن را ضعیف می‌کند و فرد دچار تب‌های شدید می‌شود. زیرا سلول‌های سرطانی خون، سلول‌های سفید خون را به بیرون می‌راند. با کم شدن سلول‌های سفید خون، این سلول‌ها قادر نیستند از بدن در برابر عفونت محافظت کنند.

از دست دادن اشتها

این حالت، امری عادی است. گاهی فرد بدون این‌که متوجه شود به‌تدریج وزن کم می‌کند. این امر می‌تواند به علت خسته‌گی و ضعف شدید باشد. در لوسمی شدید، سلول‌ها در ستون فقرات یا مغز تراکم پیدا می‌کند و این امر منجر به بروز مشکلات متعددی از جمله حالت تهوع، استفراغ، اسهال یا یبوست می‌شود.

کمبود اکسیژن

هنگامی که اکسیژن کافی در خون جریان ندارد، فرد دچار کمبود نفس می‌شود. تورم کبد یا طحال

با پیشرفت لوسمی شدید، کبد یا طحال دچار تورم و فرد دچار درد شکم می‌شود یا احساس پری در زیر دنده‌ها می‌کند. برخی در ناحیه تحتانی کمر احساس درد می‌کنند. حالت تهوع، استفراغ و از دست دادن اشتها، اغلب با ورم کبد یا طحال ارتباط دارد.

«در یک سطح بسیار شخصی‌تر دشمنی فروید ربطی به خود آمریکا نداشت، بلکه به مشکلات او با [سنت] انگلیسی آمریکایی مربوط می‌شود که برای او خاطرات تلخی را که هنگام انجام تحقیقات در پاریس بین سال‌های ۱۸۸۵-۸۶ داشته، زنده می‌کرده است. توضیحی که شاندر فرنتزی (Sándor Ferenczi) می‌دهد به همین اندازه غیرمنطقی است: احساسات ضدآمریکایی فروید یک واکنش دفاعی نسبت به «غرور آمریکایی» او بوده که از افتخاراتی است که طی مسافرتش به آمریکا کسب کرده، ناشی شده است. پیترگی آخرین شرح حال نویسنده فروید یا به تشدید عصبانیت او به علت منازعات پیوسته‌هایی که با رونکاو آمریکایی داشته اشاره می‌کند، اما معتقد است که دلیل اصلی ضدآمریکایی بودن او تفاوت فاحش ویژه‌گی‌های فرهنگی بوده است. احساس سرسختانه اروپایی فروید ترکیبی از آداب بورژوازی و رفتارهای ضد بورژوازی شدید نسبت به آزادی جنسی بود. از طرفی در طول مسافرتش آمریکایی‌هایی که او را ملاقات کرده بودند، ترکیبی غیر معمول از تساوی ماده و تظاهر جنسی را نشان داده بودند. «سال روز ویگ» از دانشگاه واشنگتن در کتاب اخیر خود با عنوان «فروید، یونگ، هال سلطان‌ساز» (Freud, Jung, and Hall the King-) (۱۹۹۲) می‌گوید: دشمنی فروید حاصل یک رقابت «هم‌نژادی جابه‌جا شده» با برادرزانش، رالی برنیز، بوده است. او ۱۷ سال قبل از سفر فروید با خانواده‌اش به نیویارک مهاجرت کرده بوده. ارتباط دو مرد زمانی با هم بیشتر شد که هر کدام با خواهر دیگری ازدواج کردند. اما فروید حتا زمانی که در وین بود، از برنیز به‌شدت متنفر بود و این عصبانیت وقتی بیشتر شد که برادرزانش اجازه ملاقات او با خواهرش آنا را در نیویارک نمی‌داد. هرچند که شکی نیست که این توضیحات بخشی از حقیقت هستند، اما نمی‌تواند دلیل کافی برای نفرت بیش از حد او باشند.

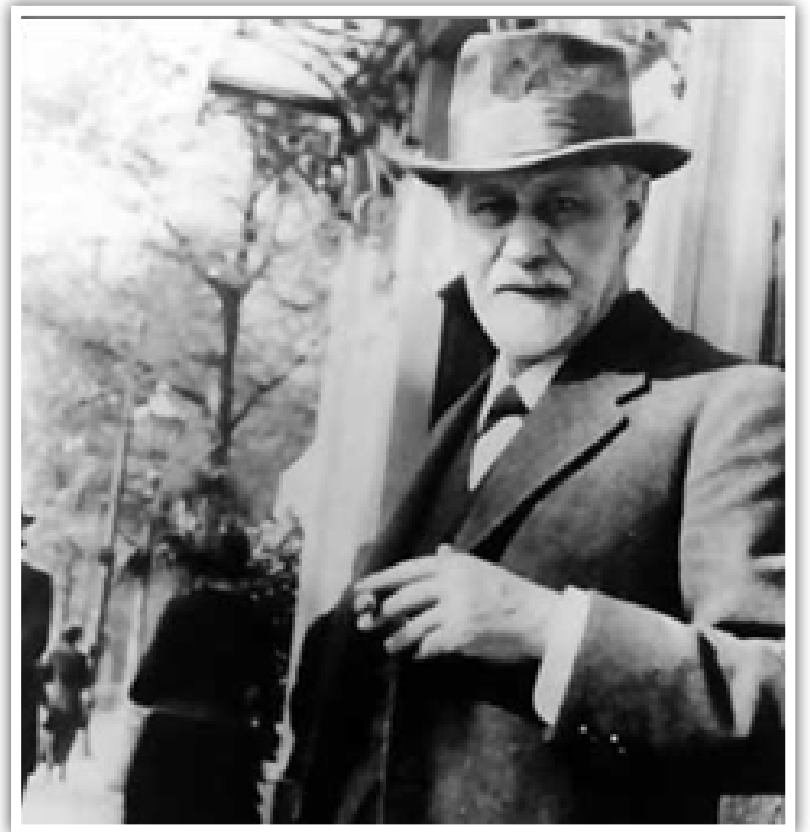
برای مثال، چه‌گونه توهین به پالایش اروپایی در زمینه‌های یادگیری و ادب، منجر به حمله وحشیانه‌ی بین فروید و یک دیپلمات آمریکایی به نام ویلیام بولیت (William Bullitt) می‌شود که هنگام مطالعه زنده‌گی‌نامه وودرو ویلسون که در دهه ۱۹۳۰ نوشته شده اما در سال ۱۹۶۷ به احترام خانم ویلسون منتشر شده، رخ داده است (Thomas Woodrow Wilson: A Psychological Study)؛ یک مطالعه روان‌شناختی که طرفداران فروید را مشوش و مضطرب می‌کند. به‌سختی می‌توان توجیه مناسبی برای توصیفات فروید از ویلسون پیدا کرد: «تامی ویلسون کوچک» «پسر مادری ضعیف و روان‌رنجور» و عبادت‌کننده خدا که با مسیح مقایسه می‌شد. اما نیروی اخلاقی برای ادامه زنده‌گی با ایده‌آل‌های ایگوی خود را ندارد. همان‌طور که فاقد نیروی لازم برای مبارزه مردانه علیه خواسته‌های نفس خود است. مدافعان فروید، بولیت را برای ناپخته‌گی کتابش سرزنش کردند، اما فروید به طوری موثق به تحقیر و تمسخر ویلسون پرداخته بود. پس چه‌گونه می‌توان نفرت فروید از آمریکا را توضیح داد؟

نوشته‌ها و اظهاراتش بعد از سفر آمریکا شواهدی را ارائه می‌کند که نشانه هدف جدیدی در کارهای عملی و نظری او است: مسأله اقتدار که فروید در آمریکا با آن‌ها مواجه شد. چیزی که پیش‌بینی نکرده بود، بی‌توجهی علمی، سیاسی و اقتدار خانواده‌گی است که فروید هم مانند توکویل (Tocqueville) آن را به تساوی‌طلبی آمریکایی‌ها نسبت می‌داد. او بعدها شکایت کرد که «آمریکایی‌ها اصول دموکراتیک را از سیاست به علم منتقل کرده‌اند. هر کسی باید یک بار رییس شود، هیچ‌کس نباید رییس باقی بماند، هیچ‌کس نباید بر دیگر برتری داشته باشد در غیر این صورت هیچ‌کدام از آن‌ها نه یاد می‌گیرند و نه به چیزی دست می‌یابند.»

حرفه‌ی و شخصی همراه بود، اما از درون واقعاً فروید را ناامید کرده بود. خودستایی معمولی اروپایی نسبت به جهان جدید خیلی زود تبدیل به نفرتی فراگیر و عمیقاً غیرمنطقی شد که با گذشت سال‌ها رو به افزایش بود. در ایالت متحده، عقایدش به‌سرعت گسترده و مورد تحسین عمومی و حرفه‌ی قرار گرفت. (بیشتر از مقالات موجود در مجلات زنان در سال ۱۹۱۵ نشأت می‌گرفت.) با این وجود فروید هیچ‌گاه نتوانست آن موفقیت اولیه را باز یابد. در واقع، فروید حتا وقتی یکی از پیروانش از اقیانوس اطلس [به سمت آمریکا] می‌گذشت (همان‌طور که یک سال بعد یونگ چنین کرد) آزرده می‌شد و از آن بیم داشت که ماده‌گرایی مضمحل‌کننده این کشور و تحسین‌های عمومی، آن‌ها را وسوسه کند. او به جایی رسید که از سفر به ایالات متحده به عنوان «یک اشتباه بسیار بزرگ» و یک «ناکامی» یاد می‌کرد.

آمریکایی‌ها روان‌رنجور و ریاکار بودند. آداب و رسوم آن‌ها سست، یادگیری‌شان سطحی و گفتارشان درهم و مغشوش بود. فروید یک بار به ماری بناپارت (Marie Bonaparte)، دستیارش و یکی از بسته‌گان دور امپراتوری ناپلئون اول، گفت: «خوش‌بختانه این کشور در حال انقراض است و حقیقت هم همین است. کشوری که حتا توت فرنگی وحشی هم ندارد.» عقاید فروید درباره ایالت متحده آن‌قدر تند و خشن و متعصبانه شده بود که حتا خودش هم احساس کرد که باید در این‌باره توضیح دهد. طی سال‌های بعد، به مناسبت‌های مختلف نوشت، عقایدش را به بیماری‌های

چرا فروید از آمریکا متنفر بود؟



هاوارد ال. کی

برگردان: نازنین اصغری

مزمین فیزیکی مختلفی که طی سفرش به آمریکا حس کرده بود، ربط می‌داد: یک مورد خفیف آپاندیسیت، تورم پروستات (که با تفرع علت خاص آن را کم بودن و در دسترس نبودن حمام آمریکایی می‌دانست)، و مهم‌تر از همه حمله کولیتی که آن را به آشپزی آمریکایی‌های مربوط می‌دانست (ظاهراً غذای نامناسب او استیکی بوده که در کوهستان آدیروناک، روستای پوتنام خورده و به گفته خودش گویی توسط وحشی‌ها آماده شده بود). فروید حتا آمریکایی‌ها را مسوول بد شدن دست‌خطش می‌دانست.

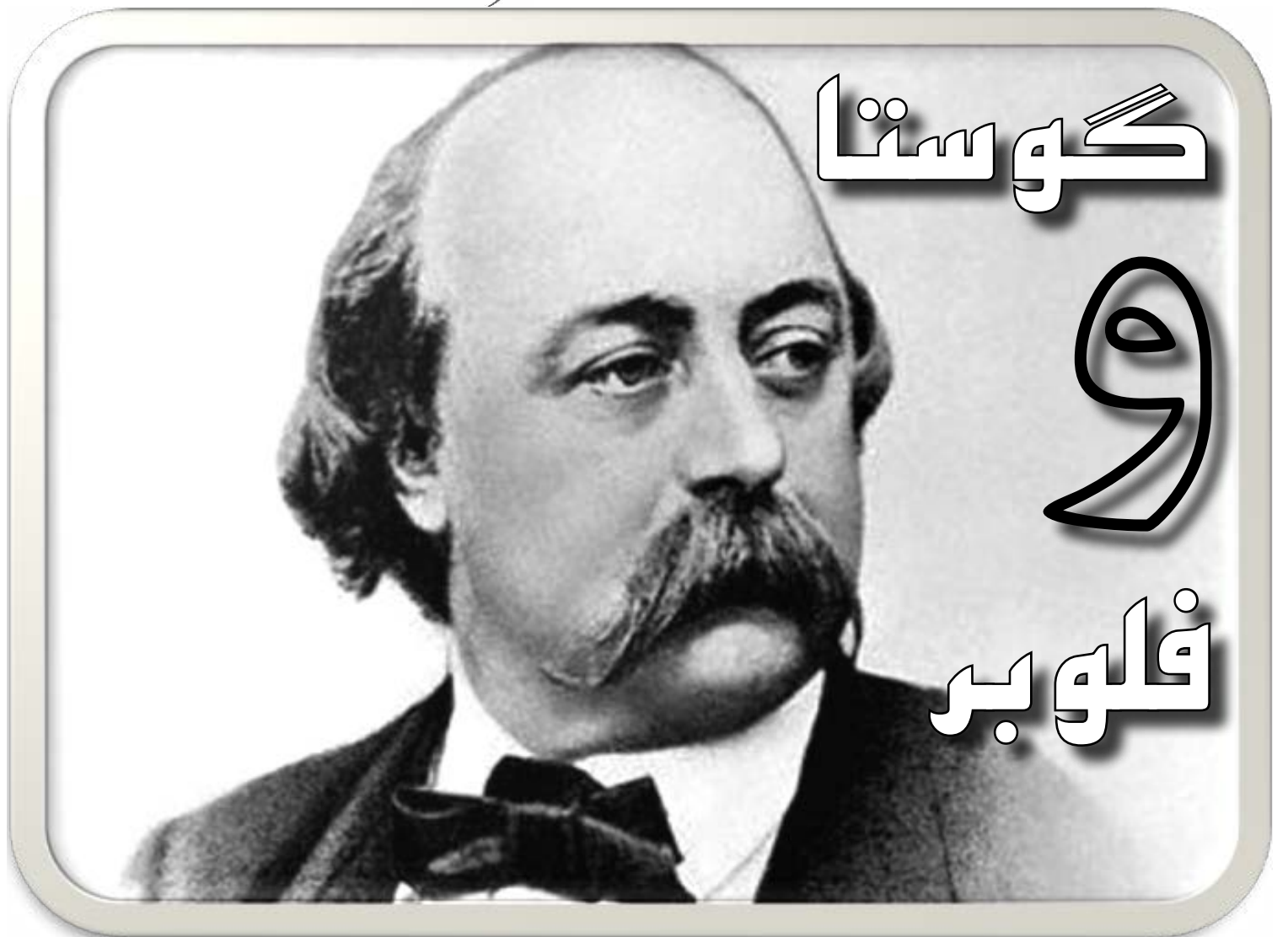
شاگردان روان‌کاوش که تحت تأثیر نفرت بی‌منطق او قرار گرفته بودند هم توضیحات سطحی این‌چنینی را ارائه کردند: جونز معتقد بود که بخشی از واکنش خصمانه فروید به این دلیل بوده که «او یک اروپایی خوب با احساس عزت و احترام است و شأن خاصی برای آموختن قایل بوده که در آن زمان این حس در آمریکا کمتر برجسته بود.» اما اضافه می‌کند

ارنست جونز (Ernest Jones)، شاگرد و شرح حال نویسنده فروید، که در سخنرانی دانشگاه کلارک به همراه فروید شرکت کرد، گزارش می‌دهد که یک زن از میان مخاطبان خواهش می‌کرد که او درباره موضوعات جنسی بیشتر صحبت کند (درخواستی که البته فروید آن را رد کرد). بعد از سخنرانی‌ها، بازدیدکنندگان دیداری کوتاه از آبشار نیاگارا و روستای پوتنام در کوهستان آدیروناک (Adirondack) در نزدیکی دریاچه پلاسید (Placid) داشتند و بعد با کشتی به نیویارک بازگشتند. طبق تمامی گفته‌ها، سفر فروید سه‌هفته طول کشید، اما اثراتی ثابت و پایدار بر روی فروید داشت. این سفر نه‌تنها دیدگاه او را در مورد کشوری که در جوانی می‌ستود، تغییر داد؛ بلکه مهم‌تر از آن، جهت نظریه اجتماعی و نقد فرهنگی او را نیز تغییر داد. ظاهر، این سفر از هر نظر با یک موفقیت

گوستا

و

فلو بر



نویسنده: هنری جیمز

برگردان: رامین مستقیم

... مادام بوآری کمالی دارد که نه تنها بر آن مهربانی عیبی حک می‌کند، بلکه آن اثر را آفریده‌ی بی‌نظیر می‌سازد. اثر با اعتماد به نفسی دست‌نیافتنی هم هیجان می‌بخشد و هم به قضاوت، قالب می‌دهد. برای آن‌که نه تنها با کمترین کلمات به امور پالوده و متعالی به کمالی دست‌نیافتنی می‌پردازد؛ بلکه به حد کافی عناصر مبتذل را به شکل بی‌نقصی عرضه می‌کند. شکل (Form) فی‌نفسه به اندازه و همسنگ ماهیت موضوع و ایده داستان جاندار است و با این همه، آن‌قدر این شکل و آن محتوا با هم چفت‌وبست شده‌اند که زنده‌گی تفکیک‌ناپذیری دارند و در هیچ لحظه‌ی نمی‌توان آن‌ها را از هم جدا ساخت. به‌راستی جالب است - آن کل جمع‌وجور و بی‌همتا از اجزاء. این اثر کلاسیک است، زیرا امور زنده‌گی در ترازوی آرمانی عرضه می‌شوند و زیرا نشان می‌دهد که در این امور عادی، زیبایی ابدی نهفته است. زن جوان زیبایی که از لحاظ اجتماعی و اخلاقی در بیغوله‌ی زنده‌گی می‌کند و نادان، احقر، سربه‌هوا و بدبخت است، دو عاشق می‌گیرد که یکی پس از دیگری او را رها می‌کنند و او هم در هنگامه سرگردانی و حیرت، فرزند و شوهرش را و همه‌چیز زنده‌گی‌اش رها می‌کند و در ژرفای دورویی، قرض و یأس فرو می‌رود و به نقطه‌ی می‌رسد که صحنه‌ی است به خودی خود کوچک از شرارت‌های حقیرش، و مصیبتی ترحم‌انگیز در پایان.

اما (Emma) در حالی این کارها را می‌کند و در غبار غلت می‌زند که افکار و قصدی رمانتیک دارد. این

پیروزی کتاب است که اما (Emma) با طبیعت آگاهی و بازی‌های ذهنش به لطف نگارش زیبا و واقع‌نمایانه نویسنده به دست می‌آید. این همه زیبایی و واقع‌نمایی، نه تنها حالت او (مادام بوآری) را بیان می‌کند، بلکه بیانگر حالت، بالفعل و بالقوه همه اشخاصی است که مانند او هستند. اشخاصی که رمانتیک‌وار در عزم خود راسخ‌اند. در آن صورت، جایی که داستان مادام بوآری رخ می‌دهد، محیطی که در آن کلنجار می‌رود، به نحوی مهم می‌شود و اهمیتی هنری می‌یابد و در برابر دیده‌گان ما مثل قفسی به نظر می‌آید که پرندیهی اسیر مانند مادام بوآری، درون قفس با بال‌های خود به دیواره قفس می‌کوبد و مصاحبان مادام بوآری هم در اسارت با او، در همان قفس شریک می‌گردند.

به حد کافی تا این‌جا حرف زده‌ام تا نشان دهم که فلو بر با تحلیلش چه قدر از خود خودش را به قهرمان زن کتاب بخشیده است: نکته‌ی که دقیقاً مرا به همان محدودیتی برمی‌گرداند که همین الان اشاره کردم و آقای امیل فاگو (Faguet) شرح حال‌نویس نتوانسته در آن غور کند، اما برای خواننده‌گان ناآشنا با فلو بر بسیار دم دست است. گلائی ما این است که چرا بوآری به‌رغم سرشت آگاهی‌اش و به‌رغم بازتاب‌دهنده روح خالق خود، ماجرای محدود و کوچکی پیدا می‌کند.

اگر نقادانه بگویم، از منظر ارزش و بخت تاریخچه زنده‌گی مادام بوآری، اوضاع و احوال بسیار جالبی فراهم است. مادام بوآری در آموزش احساسات به صورت فردریک مورو ظهور می‌کند و پرسشی برای ما پیش می‌آید که می‌توان پاسخی برای آن یافت، اما تاکید می‌کنم که یافتن پاسخ به زیان فلو بر تمام می‌شود. اگر اما

(Emma) را تنها در نظر بگیریم، شاید آن‌قدر مستقیماً ما را متقاعد نمی‌کند، اما به اتفاق اما بوآری قهرمان مؤلف ما با برداشت دوم از «واقعیت» یگراست به هدف می‌زند. چرا فلو بر، به عنوان محمل‌های خاص زنده‌گی که قصد نمایش آن‌ها را دارد، چنین فرد کهنتری (Inferior) مانند مادام بوآری و فردریک را در کتاب آموزش احساسات، چنین نمونه پستی و فرومایه‌گی را برمی‌گزیند؟

من تنها به این دومی (فردریک) می‌پردازم، چرا که پرورش مادام بوآری در کتاب آن‌چنان کمال یافته که کمتر جایی برای آزمون‌های چیزی بهتر و کامل‌تر باقی می‌ماند. حتا در این جا مقیاس کلی و قد و قواره شخصیت اما بوآری که در نوع خود حقیر است، باید هشدار می‌باید پرهیز از مبالغه باشد. اگر می‌گویم که در خصوص فردریک همه حوادث کتاب به ناگزیر به زیان فلو بر است، به این دلیل است که به شدت به اعتبار عمومی مؤلف ما لطمه می‌زند. مؤلف آرزو داشت در هریک از دو مورد، تجربه‌ی زنده‌گی را نمایش دهد - تجربه‌ی میان‌مایه، حقیقت این است - و جهان نزدیک پیرامون خود را؛ اما اگر مؤلف برای بیان مقصودش بهتر از این‌ها قهرمان زن و قهرمان مرد، که هم حکایت از موقعیتی کند و هم بازتاب‌دهنده باشد، نتوانسته تصور کند، پس ما مجبور می‌شویم تا نقصان ذهن فلو بر را باور کنیم. و این نشان ضعف باقی ماند حتا اگر به ما اعتراض شود که این دو مثال بارز (Images) مورد بحث ما بهتر از مثال‌های دیگری برای مقصود نویسنده پرورانه شده‌اند: هدف فی‌نفسه حقیر است.

آموزش احساسات، اثری غیرقابل توصیف و عجیب است که در آن‌باره مطالبی بسیار عمیق می‌توان گفت که

مجال آن این‌جا نیست. وانگهی، برای ساده‌تر کردن بیانم، آموزش احساسات را به مراتب ناراضایت‌بخش‌تر، کمتر صاحب وحدت یا تنوع قابل قبول در مقایسه با سلف خود (مادام بوآری) می‌دانم. اما اگر بخواهیم موفقیت یا شکست آموزش احساسات را در نظر بگیریم - آقای امیل ناگو رمان آموزش احساسات را شکست‌خورده رده‌بندی می‌کند، و من در کل با او موافقم - شخصیت (فردریک) وزن اصلی درام را دارد که در آن ما به آن حدی دعوت می‌شویم که برای‌مان جالب است، اما نمی‌دانیم که سرگرم‌کننده ما (مؤلف اثر) دقیقاً به چه می‌اندیشد.

مؤلف فردریک مورو را در آستانه زنده‌گی و نه درون زنده‌گی می‌آفریند و او را به نهایت بلوغ می‌رساند بی‌آن‌که لحظه‌ی به حیرت خواننده یا اعتراض او با این پرسش؛ «چرا و چرا او؟» پاسخ دهد. فردریک به سهم خود شخصیت تنگ و ناکاملی است و به ذوق ما می‌خورد؛ کار شخصیت اصلی، جلوگیری از اتلاف شوق و ایمان طراح خودش است. وقتی از شور و ایمان در مادام بوآری سخن می‌گویم که در آن کتاب هم تلف شده است، درباره قضاوت آقای امیل فاگو تعمق می‌کنم که معتقد است مادام بوآری دست‌کم شخصیت پیچیده و نمایان‌گر است.

نمایان‌گر چه چیزی؟ حتا وقتی همه زمینه‌های فلاکت و مصیبت را در کتاب می‌بینیم، باز هم کتاب وادارمان می‌کند که بپرسیم. دفاع از او (مادام بوآری دفاع از همه شخصیت‌های یک تابلو نقاشی است که هنوز رنگ‌های آن تازه‌اند و خوب خشک نشده‌اند - این شخصیت منحصر به فرد نیستند، بلکه نمونه‌وار (تیپ) هستند و تابلو در نورهای مختلف نمونه شخصیت‌های خود را حفظ می‌کند. این «نوع» اما بوآری است که من برای این مسوولیتش را در کتاب مورد پرسش قرار می‌دهم، حتا اگر از من پرسیده شود که چرا درباره مسوولیت، کمال‌پرورده‌گی شارلز بوآری، یا تقلیدناپذیری هومیاس (Homais) جاودانی نمی‌پرسم. اگر نقص اما مادام بوآری را به صورت فقر آگاهی برای کنایش (function) نمونه‌وار بیان کنیم، باید بپذیریم که به طور حتم به‌خاطر پیش جستن شوهرش در بلاهت از او (امابوآری) یا خودنمایی و خودفروشی [۱] داروفروش از فقر آگاهی اما بوآری نیست. با این وجود، تفاوت در این واقعیت نهفته که برداشت خالق شخصیت‌ها از آن‌ها همین است. این شخصیت و آیین [۲] آن‌هاست که به حد کافی تمامیت آن‌ها را بروز می‌دهند.

می‌پذیرم شاید به این خاطر است که آقای امیل فاگو، اما را تنها شخصیت زن در کتاب می‌یابد که نمونه‌وار (typical) زنانه فرض می‌شود، نمونه‌وار به شکل وسیع تصویرگرانه، در حالی که سایر شخصیت‌ها برای آقای فاگو صور مثالی در شرایط خاص هستند که درگذرند. من هم قبول می‌کنم که اما برای من هم چنین بود؛ اما آن‌چنان تخته‌بند شرایط خاص است که در مورد او حتا جا برای عناصر عادی‌تر و پذیرش زنده‌گی باقی نمی‌ماند و نویسنده ما را دعوت به زنده‌گی می‌کند که دل‌خراش و در عین حال از لحاظ دراماتیک برانگیزاننده است و ما به عنوان خواننده، معیار اهمیت برای نویسنده و منتقدان را به چالش می‌طویم. برای منتقدان کتاب تصویری از میانه حالی است، اما آیا اما (Emma) به آن حد هم دست می‌یابد؟ حتا برای شخص کمی تخیل‌پرداز که اهمیت اجتماعی‌اش «اندک» است هم این میان‌مایه‌گی حقیر است. اگر همه این جوانب را در نظر بگیریم، در کل از ظرفیت آگاهی‌اش این میان‌مایه‌گی بزرگ‌تر است و به عبارتی اگر روزگار نقاط تماس بیشتری به اما بوآری می‌داد و اگر او چیزهای بیشتری عرضه می‌کرد، تصویرهای ما از او بیشتر بود.

امریکایی که بسیاری از هنرمندان اروپا و آمریکا حداقل در مقطعی تحت تأثیر این اندیشه بودند.

در آمریکا جمعی از مطرح‌ترین هنرمندان جنبش اکسپرسیونیسم انتزاعی، همانند «مارک روتکو»، «بارنت نیومن» و «جکسون پولاک» و... با این جریان پیوند قوی داشتند، اما دو هنرمند غیر امریکایی به نام «آندره برتون» نویسنده فرانسوی و «دیه‌گوریورا» نقاش انقلابی و چیره‌دست مکزیکی در کنار تروتسکی در سال ۱۹۳۸، مانیفست (بیانیه) هنر مستقل انقلابی را که توسط برتون و تروتسکی نوشته و «ریورا» و «برتون» آن را امضا کردند و در مجل پارتیزان به چاپ رسانند که در واقع هدفش استقلال هنر برای انقلاب و انقلاب برای آزادی هنر بود.

به این ترتیب محوریت هنر انقلابی چپ‌گرا در امریکای دهه ۱۹۴۰ بر محور مثلثی «تروتسکی»، «ریورا» و «برتون» شکل گرفت که اتفاقاً هر سه غیر امریکایی بودند. آن‌ها حامی هنری بودند که در محتوایی انقلابی و ساختاری ریالیستی شکل گرفته بودند.

اما شروع ماجرا این‌جا بود که این امر در میان اکثر هنرمندان نیویارکی چندان طرف‌دار نداشت. آن‌ها به استقلال سیاسی و فکری هنرمند، و نیز مکاشفه درونی در هنر، بیشتر از تعهد انقلابی پای‌بند بودند. در واقع امری پیشرو و مدرن که تبلور آن را بعدها در اکسپرسیونیسم انتزاعی یافتند.

اکسپرسیونیسم انتزاعی



(پیشرو) بود و همین آوانگاردیسم بودن آن باعث توجه بسیاری از هنرمندان و روشن‌فکران به آن شده بود. بنابراین مفهوم جدیدی از چپ رقم خورد به نام چپ جدید یا

گرفتن از کمونیسم محض و سیاست‌های احزاب کمونیستی اروپایی و اتحاد جماهیر شوروی پیدا کردند و توانستند دیدگاه‌های هنری و زیبایی‌شناختی آزادتری را دنبال کنند. این فرصت‌ها تا حد زیادی تحت تأثیر افکار لئون تروتسکی بود که در میان هنرمندان و روشن‌فکران امریکایی بسیار محبوب بود. البته ظهور و گسترش تروتسکیسم در جهان غرب، خصوصاً آمریکا، ناشی از افول اعتبار جماهیر شوروی، سیاست مستبدانه داخلی، فشار بر مخالفان در بلوک شرق و روی‌گردانی نیروهای چپ در غرب بود.

تروتسکیسم با هرگونه سانسور و عوامل کنترل‌کننده از جمله ریالیسم سوسیالیستی مخالفت می‌کرد و اعتقاد داشت این‌گونه برخوردها با هنر باعث انحطاط آن خواهد شد.

در واقع تروتسکیسم به دنبال تحقق افکار سوسیالیستی نبود، بلکه بیان یا به عبارتی بهتر انقلابی بود با ماهیت روشن‌فکری، و هدفی برای رسیدن به جامعه جهانی پرولتاریایی نداشت. بنابراین به‌جای مبارزات طبقه کارگر، توسعه آگاهی و روشن‌فکری را بهترین راه برای رسیدن به اهداف سوسیالیسم می‌دانست، بنابراین در ذات خود آوانگارد

نویسنده: نوشین زرنانی

اختلاط هنر و سیاست بیش از هر زمان دیگر در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم مشهود بود. در اروپا قحطی و ویرانی، پیگرد مخالفان و اوضاع ناهمسامان، فضایی را برای توجه به سمت هنر برنی‌تایید. در آن هنگام آلمان به دو بخش تقسیم شده بود.

فرانسه و ایتالیا به دنبال تجربه‌های تلخ سال‌های اشغال، با اقتصادی ویران مواجه بودند، ولی در این میان آمریکا فاتح و پیروز جنگ با اقتصاد و سرزمینی دست‌نخورده، رهبر پروژه‌های عظیم بازسازی اروپا شد.

در این فضای خسته پس از جنگ، هنرمندانی که عرصه را در اروپا به خود تنگ می‌دیدند، آرام آرام روانه آمریکا شدند، از آن پس نیویارک به پایتخت جدید هنر تبدیل شد و عملاً به سلطه پاریس بر جنبش هنر مدرن، پایان داد.

بیان هنری در آن روز به دلیل فضای روشن‌فکرانه اروپا در سال‌های بین دو جنگ بیشتر ماهیت چپ‌گرایانه متأثر از سوسیالیسم داشت که در واقع حمایت محض از هنر ریالیستی بود و هنر آستره را به این دلیل که نمی‌توانست دردهای توده مردم را بیان کند، سودجویانه و بورژوازی می‌پنداشت و آن را مطرود می‌کرد.

اما در آمریکا اندیشه‌های چپ فرصت بیشتری برای فاصله

عبدالله:

مسوول بن بست سیاسی کزری است

داکتر عبدالله عبدالله، نامزد پیشتاز انتخابات ریاست جمهوری می گوید که افغانستان با «بن بست سیاسی» مواجه شده و مسوولیت این وضع نیز بر عهده رییس جمهور کزری و کمیسیون های انتخاباتی است.

داکتر عبدالله که یک روز پس از اعلام تعلیق رابطه تیم انتخاباتی اش با کمیسیون انتخابات در یک نشست خبری حضور یافته بود، گفت که از نظر تیم او فعالیت کمیسیون های انتخاباتی افغانستان از این پس «غیرمشروع» است و آن ها نتایج کارهای بعدی این کمیسیون را قبول نخواهند کرد.

شمارش و بررسی آراء را بدون حضور ناظران او ادامه داده است.

داکتر عبدالله در اعتراض به آنچه که برآورده نشدن خواسته هایش از کمیسیون انتخابات افغانستان می خواند، تمام روابط تیم انتخاباتی خود با این

در برابر کودتا علیه رأی...

تیم اصلاحات و همگرایی قبل از انتخابات و در جریان آن بارها مخالفت خود را با اشخاص متقلب در کمیسیون های انتخاباتی به رییس جمهور اعلام کرده بود و پس از این که در روز انتخابات «دزد با پشتاره»، در مسیر انتقال مخفی صندوق ها و برگه های رأی به محل تقلب در ساحه پلچرخ کابل توسط پولیس متوقف شد و کمیسیون انتخابات و حکومت با بی تفاوتی از کنار آن گذشتند، سه خواسته مشروع زیر را مطرح کرد:

- ۱- تعلیق مسوولیت شخص تقلب کار از کمیسیون انتخابات؛
- ۲- ارایه توضیحات پیرامون ادعای مشارکت بیش از هفت میلیون نفر در انتخابات از سوی کمیسیون انتخابات؛
- ۳- قرنطین شدن آرای ولایت هایی که تعداد آراء پرشده در صندوق ها، با شمار واجدان شرایط رای دهی در آن ولایت تناسبی ندارد.

افغان ها ما را می خواهند...

رنگین دادفر سپینا به رادیو آزادی گفت: تعداد نیروهای امریکایی که در افغانستان باقی خواهند ماند، بر اساس وضعیت امنیتی این کشور مشخص خواهد شد.

آقای سپینا از نامزد برنده ریاست جمهوری هم خواست تا توافقنامه امنیتی با امریکا را به زودی امضا کند.

پیش از این شماری از اعضای مجلس سنای امریکا گفته بودند: با اعلان پلان رییس جمهور بارک اوباما که نیروهای امریکایی در سال ۲۰۱۶ به صورت مکمل افغانستان را ترک می کنند، برای آنها مایه نگرانی شده که شاید دستوردها هم مانند عراق، در نتیجه شورش های طالبان زیان مند شود.

از آغاز سال ۲۰۱۴، گروه داعش در عراق، پیشروی های زیادی نظامی داشته و چندین شهر را در کنترل خود در آورده است.

منتظر پاسخ مردم...

هنوز بر حضور بیش از هفت ملیون شرکت کننده، تأکید می ورزد که این خود مبین تقلب کاری و مهندسی در آرای مردم است. بحث همکاری جامعه جهانی برای حمایت از حق مردم در چنین وضعیت قابل تأمل است، کشور های جهان که متعهد به پاسداری از دموکراسی در این کشور اند، اگر نمی توانند پاسدار دموکراسی باشند، حد اقل اصل بی طرفی شان را حفظ کنند. با توجه به آنچه تذکر داده شد، من متعهد هستم که برای اعاده حقوق مردم خویش از هیچ گونه سعی و تلاش تا پای جان دریغ نخواهم ورزید. دیدگاه من برای برون رفت از بن بست است که عامل آن شماری از دسته ها و حلقه

کمیسیون را به حالت تعلیق درآورد و از ناظران تمیث نیز خواست که محلات شمارش آراء را ترک کنند.

آقای عبدالله در نشست خبری روز پنجشنبه خود گفت: «وقتی این ها (کمیسیون انتخابات) در غیاب ناظران ما به کار ادامه دادند، این عملکردشان قابل قبول نیست و موقف ما این است که از این به بعد هر نوع اجراءات کمیسیون های انتخاباتی برای ما و مردم افغانستان غیر قانونی تلقی می شود و نتایج این اقدامات مورد قبول ما نخواهد بود.»

به تعلیق در آمدن کار ضیاءالحق امرخیل، رییس دبیرخانه کمیسیون انتخابات به دلیل آنچه که آقای عبدالله دست داشتن او در «تقلب مشهود» می داند، روشن شدن میزان مشارکت مردم و ارایه توضیح در مورد میزان آرای ریخته شده به صندوق ها در تعدادی از ولایت ها خواسته های آقای عبدالله از کمیسیون انتخابات افغانستان است.

او همچنین از کمیسیون انتخابات خواسته بود تا روند

حکومت و کمیسیون انتخابات به این خواسته ها اعتنا نکرده و به وارد کردن آرای ناپاک در «مرکز جمع آوری آراء آغاز کرد. به همین دلیل تیم اصلاحات و همگرایی ناظران خود را از این مرکز بیرون و همکاری اش را با کمیسیون انتخابات تا عملی شدن این سه خواسته مشروع به حالت تعلیق در آورد و خواستار توقف درج برگه های نتایج شد؛ اما باز هم حکومت و کمیسیون انتخابات بی اعتنائی کرد و درج برگه های نتایج در «مرکز جمع آوری آرای کمیسیون انتخابات» به گونه یک جانبه و در نبود تیم ناظران ما ادامه یافت. حکومت و کمیسیون انتخابات با این کار، نشان دادند که به گونه جدی می خواهند کشور را عملاً به یک بن بست سیاسی دچار کنند.

با توجه به تکرار بی اعتنائی حکومت و کمیسیون های انتخاباتی به خواست های معقول و مشروع تیم اصلاحات و همگرایی و ادامه کار برای تکمیل «پروژه کودتا علیه رأی مردم»، رهبری این تیم فیصله کرد که هرگونه کار و نتیجه یی را که این کمیسیون نا مستقل انتخابات به مدیریت مستقیم حکومت اعلام

در یک دیدار خصوصی در قصر سفید، سناتور میچ مک کوئل که از اکثریت جمهوریخواهان در کانگرس امریکا نماینده گی می کند، بارک اوباما را بخاطر تعیین جدول زمانی برای خروج از افغانستان تحت فشار قرار داد.

اما جیمز دابینز نماینده ویژه امریکا برای افغانستان و پاکستان می گوید: افغانستان و عراق قابل مقایسه نیستند و وضعیت دو کشور کاملاً از هم تفاوت دارند: «افغانستان عراق نیست. در افغانستان ما در وضعیت معکوس قرار داریم. اوضاع دو کشور از هم متفاوت اند. در عراق مردم ما را نمی خواهند و حتی یک سیاستمدار عراقی هم از حضور ما حمایت نکرد. در افغانستان مردم خیلی خواهان ما هستند و هر نامزد ریاست جمهوری این کشور گفته اند که توافقنامه امنیتی دو جانبه را امضا خواهند کرد.»

با این هم اظهارات مقام های نظامی امریکا، توانست قناعت شماری زیاد از اعضای کانگرس امریکا را فراهم کند.

های مشخص است، در این سه نکته نهفته است:

۱. مذاکره و گفت و گو با جناب رییس جمهوری کشور، معاونین رییس جمهور، کمیسیون های شکایات و انتخابات، نمایندگی سازمان ملل متحد و دوستان جهانی ما. ۲. دست زدن به نا فرمانی مدنی و ریختن روی جاده ها به صورت گسترده و فراگیر در سرتاسر کشور تا زمان دست یابی به حقوق مردم و اعاده روند شفاف مردم سالاری. ۳. گزینه نهایی برای مصلحت ملی و منافع علیای کشور در صورتی اتخاذ می شود که به دو گزینه اولی پاسخ مثبت ارایه نگردد و به خواست های مردم ما توجه نشود. گزینه سوم می تواند شامل هر گونه اقدامی برای دست یابی به حقوق مردم باشد. عوامل برآیند این، کسی جز آنانی نخواهد بود که امروز حق مشروع مردم را

خیر و خیریت...

او با اشاره به پیشنهاد داکتر عبدالله در مورد نقش سازمان ملل متحد و در رابطه به ملاقاتی که رییس جمهوری با نماینده سازمان ملل متحد در این مورد داشته است، گفت که این پیشنهاد را نه تنها پذیرفتم؛ بل که آن را یک گام نیک برای پایان این مشکلات می دانم، چون هر مرجعی که به افغانستان در راستای حل این مسأله کمک کند، قابل قدر بوده و ما آن را تقدیر می کنیم.

حامد کزری در ادامه افزود که راه دیگری نیز برای حل این مشکل وجود دارد و آن می تواند از طریق صحبت میان معاونان ریاست جمهوری و بزرگان دو تیم انتخاباتی باشد. رییس جمهور کزری همچنین در مورد اوضاع کنونی اطمینان داده گفت: «کشور خیر و خیرت و آرام بوده و تمام امور به خوبی به پیش می رود. مسأله انتخابات یا از طریق پروسه افغانی و یا هم از طریق مذاکرات ملل متحد انشالله به یک نتیجه دلخواه هر دو جانب می رسد.»

این درحالی است که تحلیلگران رییس جمهور کزری را متهم به مهندسی انتخابات می کنند و می گویند که اگر آقای کزری خواستار پایان بخشیدن به این بن بست می بود، باید به نخستین درخواست آقای عبدالله که تعلیق وظیفه امرخیل رییس دبیرخانه کمیسیون انتخابات بود، توجه می کرد.

همچنان، حامد کزری در این دیدار در مورد انکشافات اخیر در منطقه و پروسه صلح افغانستان نیز صحبت کرده و با اشاره به درخواست پاکستان برای حمایت افغانستان از عملیات نظامی که پاکستان علیه تروریستان در وزیرستان شمالی به راه انداخته است، گفت: «صدراعظم محترم پاکستان در این مورد خواستار حمایت افغانستان شده است. من برایش اطمینان دادم که در برابر دهشت افگنی و تروریسم کاملاً از شما حمایت می کنیم؛ اما تاکید ما این است که در این عملیات به افراد ملکی و بی گناه نباید آسیب برسد.»

رییس جمهور همچنان گفت که در این مورد با یک هیأت پاکستانی که به این منظور به کابل آمده بود، نیز صحبت کرد و پیامی را از طریق این هیأت به حکومت پاکستان فرستاده است که «اگر این مبارزه حقیقی علیه تروریسم باشد و در برابر همه تروریستانی به راه انداخته شده باشد که افغانستان، پاکستان و همه را متاثر ساخته اند، ما آماده حمایت از شما هستیم و به این منظور یک نقشه راه مناسب به گونه عملی باید ایجاد شود تا مسوولیت های مشترک ما در هر گام معلوم باشد که در این ارتباط یک هیأت بلند رتبه افغانی به زودی به پاکستان سفر خواهد کرد.»

او همچنان گفت که افغانستان برای افراد ملکی یی که از آسیب جنگ به افغانستان پناه میاورند و مهاجر می شوند، با سینه فراخ و جبین گشاده و با درنظرداشت وجیبه دینی خویش هر گونه کمک را همان گونه که مردم پاکستان با بسیار اخلاص از مهاجرین ما میزبانی کردند، در اختیار آنها قرار خواهد داد.

رهبر طالبان پاکستانی را تسلیم...

نخست وزیر پاکستان در جریان دیدار با حامد کزری، رییس جمهوری افغانستان در کابل به وی ارایه کرد.

دفتر وزارت امور خارجه پاکستان نیز این درخواست از جانب این رهبر پشتون پاکستان را مورد تأیید قرار داد و یکی از مقام های مطلع دولت اسلام آباد نیز گفت: پاکستان از دولت کابل درخواست کرده تا حمایت ها از این گروه شبه نظامی را متوقف کرده و رهبر تحت تعقیب آن را که در افغانستان مخفی است مسترد کند.

در همین حال، یک هیأت از جانب دولت افغانستان قرار است به زودی به اسلام آباد برود و نامه مکتوب کزری را به دولت پاکستان ارائه کرده و درباره برنامه های آتی با طرف پاکستانی گفت و گو کند.

در بیانیه دفتر ریاست جمهوری افغانستان نیز آمده است نواز شریف با تمامی شرایط ارایه شده از جانب دولت کابل درباره مقابله مشترک با تهدیدهای تروریستی موافقت کرده است و گفته که مخفیگاه های امن برای تروریست ها باید در هر دو کشور منهدم شود.

دولت اسلام آباد همچنین از کابل خواسته تا مرزهای مشترکی را ایجاد کند تا از فرار شبه نظامیان از افغانستان و ورودشان به پاکستان و بالعکس جلوگیری شود.

شمارش آرای دور دوم انتخابات را فوراً متوقف کند. آقای عبدالله در نشست خبری خود گفت که در دور اول انتخابات نیز کمیسیون های برگزار کننده انتخابات، بی طرف نبودند و آرای گروه انتخاباتی او را هدف قرار دادند ولی در دور دوم انتخابات، «تقلب گسترده و مهندسی شده» رخ داده است.

او همچنین از جامعه جهانی خواست که بی طرفی خود در انتخابات افغانستان را ثابت کند. گل آغا شیرزی، از نامزدان دور اول انتخابات ریاست جمهوری که در دور دوم از آقای عبدالله حمایت کرده است نیز در این نشست خبری گفت که به عملکرد کمیسیون های انتخاباتی و حکومت افغانستان اعتراض دارد. او گفت که «حکومت و نهادهای انتخاباتی در دور اول نیز اجراءات قانونی نکردند و حالا هم سعی دارند به نفع نامزد مشخصی کار کنند.»

کند، از نظر ما غیر مشروع است و آن را نمی پذیریم. مسوولیت بن بست سیاسی کنونی نیز به عهده رییس جمهور و کمیسیون های انتخاباتی است.

هموطنان گرامی! همان گونه که در برابر خداوند جل جلاله به صداقت و درستکاری تعهد کردیم و به شما هم وعده سپردیم که در همه شرایط از حق تان دفاع می کنیم، اعلام می داریم که در برابر «پروژه کودتا علیه رأی مردم»، می ایستیم و با مراجعه به شما مردم قهرمان و صلح خواه و راه اندازی تجمعات و تظاهرات سراسری مسالمت آمیز و مدنی، از حقوق اساسی ملت در برابر «استبداد جدید» و «پروژه تقلب» دفاع می کنیم.

نحوه برگزاری تجمعات و راهپیمایی های مدنی، طی اعلامیه های جداگانه به اطلاع عموم میرسد.

زنده باد افغانستان

پاینده باد اسلام، صلح و دیموکراسی
کمیته سیاسی تیم اصلاحات و همگرایی
کابل ۳۰ جوزا ۱۳۹۳ خورشیدی

باب میناندز رییس کمیته روابط خارجی مجلس سنای امریکا که از حزب دموکرات است، می گوید که تعیین جدول زمانی، شورشیان را جسورتر می سازد که منتظر خروج نیرو های امریکایی از افغانستان باشند.

سناتور جان مک کین پیشینی می کند که شکل گیری مجدد طالبان، افغانستان را هم مانند گروه داعش در عراق تهدید می کند.

با این همه، مقام های امریکایی به شمول قصر سفید، به آینده افغانستان خوشبین هستند و روی خروج مکمل در سال ۲۰۱۶ تأکید می ورزند.

قرار است از میان سی هزار نظامی امریکایی که در افغانستان باقی مانده اند، حدود ۲۰ هزار تن آن ها تا پایان امسال، این کشور را ترک کنند.

گروه ده هزار نفری باقی مانده تا پایان سال ۲۰۱۶ از افغانستان خارج خواهند شد، اما اکثریت اعضای مجلس نماینده گان امریکا، مشخصاً از همین ناحیه نگرانی دارند و انتظار دارند در این تصمیم تجدید نظر شود.

در قبض خویشان به گروگان گرفته اند و رأی پاک مردم را با آرای ناپاک یکجا می شمارند تا قدرت را از راه های نامشروع و تقلبی شکل دهند. با آنکه این جمع بار ها برای شراکت در حکومت به ما مراجعه کرده اند، اما به هیچ صورت نمی خواهیم رأی و اراده واقعی مردم را با شراکت های نامشروع، به معامله بگیریم. لازم به ذکر می دانم که تصمیم جمعی و نهایی رهبری جمعیت اسلامی افغانستان و تیم اصلاحات و هم گرایی، بالای ما نافذ خواهد بود. ما برای پاسداری از حقوق مردم تا پای جان ایستاده گی خواهیم کرد.

ستر جنرال عطا محمد نور رییس عمومی شورای اجرائیه جمعیت اسلامی و والی بلخ



بزرگان قومی:

۵۰۰۰ کارمند کمیسیون به نفع

تیم تحول و تداوم قلب کردند



مردم افغانستان بالای کمیسیون انتخابات، کمیسیون شکایات انتخاباتی و حکومت افغانستان باور ندارند.

در کنار این، شماری از بزرگان قومی مشرقی هشدار می‌دهند که از رأی خود دفاع خواهند کرد و به کسی اجازه نخواهند داد تا به رأی مردم دست برد بزنند.

یکتن از این بزرگان می‌گوید، ما رأی دادیم و از این رأی خود تا اخیر دفاع می‌کنیم. این بزرگان همچنان می‌گویند که ما انتخابات شفاف را خواسته بودیم و حال هم انتظار داریم تا نتیجه رأی شفاف مردم معلوم گردد.

نماینده گان مردم مشرقی در مجلس و فرماندهان جهادی هشدار می‌دهند، تا زمانی که به خواست‌های مشروع‌شان پاسخ داده نشود، به اعتراضات مدنی خود ادامه خواهند داد.

هم‌چنان، چهارشنبه هفته گذشته نیز شماری از بزرگان قومی پکتیا، پکتیکا، خوست، لوگر و میدان وردک نیز از قلب گسترده و سازمان یافته در دور دوم انتخابات در ولایات‌شان خبر دادند.

امان الله زدران یکی از بزرگان قومی ولایت پکتیا در نشست خبری گفت، در ولایات خوست و پکتیا انتخابات نه، قلب شده است.

آقای زدران می‌افزاید: «در ولایات خوست و پکتیا زیاد مردم به رأی دادن نرفته اند، بلکه از طرف مقامات دولتی و امنیتی صندوق‌ها به نفع یک نامزد پُر شده است.»

عبدالرحمن منگل بزرگ قومی دیگر می‌گوید، انتخابات پُر از قلب برای مردم قابل پذیرش نیست و شماری از چهره‌ها می‌خواهند با انجام قلب در میان مردم تفرقه ایجاد کنند.

قرار است این اعتراض‌ها به سراسر افغانستان گسترش یابد.

و قسم داده شده بودند که برای تیم تحول و تداوم کمپاین کنند.

آقای شاهد هم‌چنان گفت، در برخی از ولایات افغانستان بیشتر از نفوس آن ولایات، صندوق‌ها به نفع اشرف غنی احمدزی پُر گردیده است. او افزود که حکومتی که از ورای این تقلبات به وجود می‌آید، مشکلات افغانستان را بیشتر خواهد ساخت.

در عین حال، حضرت علی از فرماندهان پیشین جهادی و عضو مجلس می‌گوید: «با راه‌اندازی تقلبات گسترده در حق مردم خیانت ملی صورت گرفته است؛ این تقلبات را کمیسیون انتخابات انجام داده است و برای مردم قابل قبول نیست و تا زمانی که جامعه جهانی و نهادهای بی‌طرف این قضیه را بررسی نکرده است، باید روند شمارش آرا توقف داده شود.»

حضرت علی هم‌چنان خاطر نشان کرد: «مردم مشرقی از قلبی که در انتخابات به نام‌شان صورت گرفته، سخت ناراضی اند.» این فرمانده پیشین جهادی تأکید کرد که دیگر

تقلبات گسترده در دور دوم انتخابات و مداخله کارمندان کمیسیون در این روند، سر و صداهای مردم را برانگیخته است.

شماری از رهبران پیشین جهادی، نمایندگان مردم در مجلس، شخصیت‌های سیاسی و فعال مدنی ولایات مشرقی، قلب در روند انتخابات ۲۴ جوزا در کشور را نشانه مداخله کمیسیون انتخابات در این روند دانسته می‌گویند، کمیسیون انتخابات پنج هزار کارمند این کمیسیون را موظف به قلب به نفع دکتر اشرف غنی احمدزی کرده بود.

این نمایندگان مردم و فرماندهان پیشین جهادی ولایات ننگرهار، لغمان، نورستان و کنر از جامعه جهانی می‌خواهند تا با نظارت جدی از روند انتخابات جلو بهران در کشور را بگیرند.

به باور آنان، نظارت جدی جامعه جهانی و ناظران بین‌المللی می‌تواند به شفافیت هر چه بیشتر پروسه انتخابات بیانجامد.

شهزاده شاهد عضو مجلس نمایندگان گفت: «از پنج هزار کارمند کمیسیون تعهد گرفته شده بود

صدها نفر در کاپیسا خواستار شفافیت

در انتخابات شدند



کردند تا کاندیدای دلخواه شان برنده شود اما متأسفانه در کمیسیون نامستقل انتخابات کشور که مردم به آن اعتماد داشتند شفافیت وجود ندارد.

وی می‌گوید: «شفاف نبودن کار کمیسیون مستقل انتخابات سبب شده که خیزش‌های مردمی در تمام ولایات های کشور بخاطر دفاع از رأی و حق شان آغاز شود و مردم می‌خواهند که در بسیاری از دشواری ها که حتی انگشت شان قطع شد و کشته شدند در انتخابات اشتراک

کردند از رأی خود دفاع کنند.» وی می‌افزاید که مردم بدون ترس و هراس خواستند که از طریق مدنیت و دموکراسی سرنوشت شان را تعیین کنند اما حلقاتی در درون حکومت و در بیرون حکومت و در کمیسیونهای انتخاباتی وجود دارد که نمی‌خواهند همین دموکراسی نوپا بشکل اساسی و واقعی تمثیل شود.

واکنش های مردمی در شماری از ولایات های کشور، زمانی صورت می‌گیرد که دکتر عبدالله عبدالله کاندیدای ریاست جمهوری کشور کمیسیون مستقل انتخابات را متهم به دست داشتن در قلب کرده است.

گردهمایی بزرگی با اشتراک صدها تن به‌خاطر حمایت از دکتر عبدالله عبدالله کاندیدای ریاست جمهوری در ولایت کاپیسا برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری بختی، این گردهمایی بزرگ که به رهبری شماری از فرماندهان جهادی ولایت کاپیسا در مرکز این ولایت که صدها تن از باشندگان، متفدین قومی، علمای دینی و مجاهدین اشتراک کرده بودند حمایت خود را از دکتر عبدالله عبدالله کاندیدای ریاست جمهوری کشور اعلان نمودند.

محمدحسین سنجی رییس شورای ولایتی و یکی از فرماندهان اسبق که در این گردهمایی اشتراک کرده بود گفت: «ما از کمیسیون‌های انتخاباتی می‌خواهیم در شمارش آرا شفافیت برقرار کنند تا به رأی مردم احترام گذاشته شود در غیر آن مردم ولایت کاپیسا دست به تظاهرات خشونت آمیز خواهند زد»

احمدشکیب همدرد کوهستانی یکتن از اشتراک کنندگان در این گردهمایی به خبرگزاری جمهور گفت: «این گردهمایی بخاطر حمایت از دکتر عبدالله عبدالله برگزار شده و مردم بسیار زیاد و بی سابقه در روند انتخابات اشتراک



ورزش

ماتم در تیم ساحل عاج



ابراهیم توره برادر حبیب و یحیی کولو توره در سن ۲۸ سالگی درگذشت. ساحل عاج شب گذشته در دومین دیدار خود در جام جهانی برابر کلمبیا با نتیجه ۲ بر یک شکست خورد تا کارش برای صعود از این گروه به بازی آخر کشیده شود. حبیب و یحیی توره بازیکنان تیم ملی ساحل عاج در غم از دست دادن برادرشان به سوگ نشستند.

ابراهیم توره برادر ۲۸ ساله آنها که سابقه بازی در لیگ اوکراین و فرانسه را در کارنامه خود داشت، درگذشت تا شوک منفی به تیم ساحل عاج وارد شود.

مورینیو از دلایل ناکامی ماتادورها می‌گوید

سرمربی ۵۱ ساله جلسی ادامه داد: برنامه بازی هالند و چیلی بسیار خوب بود. اسپانیا تعامل خوبی در بازی‌ها نداشت. دیگران هم یاد گرفته‌اند که باید برابر بهترین تیم جهان چگونه بازی کرد. تمام دنیا فلسفه فوتبال اسپانیا را یاد گرفته و به همین خاطر بود که هالند و چیلی به راحتی این تیم را شکست دادند. اسپانیا در چهار پنج سال اخیر بسیار خوب بود و به قدرت نخست فوتبال جهان تبدیل شد اما دیگر سبک بازی آنها تکراری شده بود.

مورینیو به ستایش از سرمربی هالند و چیلی پرداخت و گفت: لوئیس فان خال در آنالیز بازی اسپانیا بسیار خوب عمل کرد اما عملکرد سامپوئولی سرمربی چیلی بهتر از او بود. باید منصف باشیم و به جای آن که بگوییم اسپانیا نمایش ضعیفی داشت بگوییم که چیلی خیره‌کننده ظاهر شد. به خورخه سرمربی این تیم تبریک می‌گوییم. تیم او نمایش خیره کننده‌یی داشت.



شدند و همین مسئله باعث شد تا آنها در برزیل راه به جایی نبرند و در نهایت با دو شکست پیاپی از دور رقابت‌ها کنار روند.

آقای «خاص» افزود: اسپانیا در دو بازی تنها یک گل به ثمر رساند که آن هم از روی نقطه پنالتی بود. این تیم در دو بازی برابر هالند و چیلی هیچ امتیازی کسب نکرده است که این یعنی آنها باید بیک های خود را ببندند و به کشورشان بازگردند. منصفانه است که بگوییم چیلی و هالند سهم بسزایی در ناکامی اسپانیا داشتند؛ چرا که این دو تیم آن چه را باید در فوتبال مدرن انجام داد، به خوبی انجام دادند. باید در فوتبال مدرن در هر بازی برنامه خاص خود را داشت.

همه ما ناامید و ناراحت هستیم



کاپیتان لیورپول اعتراف کرد که غم اندوه ناامیدی در رختکن این تیم بعد از شکست برابر یوروگویه موج می‌زد. او تیمش را شایسته شکست در هر دو بازی برابر ایتالیا و یوروگویه نمی‌داند. تیم ملی فوتبال انگلیس در دومین بازی خود در جام جهانی برابر یوروگویه تن به شکست داد؛ شکستی که به احتمال بسیار زیاد منجر به حذف زودهنگام این تیم از برزیل خواهد شد.

استیون جرارد، کاپیتان انگلیس از شکست این تیم برابر یوروگویه بسیار ناراحت است. او بعد از بازی در گفت‌وگویی که با رسانه‌های انگلیسی داشت، عنوان کرد: شایسته شکست برابر یوروگویه نبودیم. می‌توانستیم در این دیدار به پیروزی برسیم. حتی نتوانستیم یک تساوی هم به دست آوریم. حداقل می‌توانستیم یک امتیاز را به دست آوریم. حذف از جام جهانی برزیل بسیار سخت است. واقعا برایمان سخت بود که در دو بازی پیاپی شکست بخوریم و وداع زودهنگامی با این رقابت‌ها داشته باشیم. نباید این گونه حذف می‌شدیم. کاپیتان لیورپول در پایان سخنان خود گفت: مالکیت توپ ما بیشتر از یوروگویه بود اما ثبات و جنگجویی حریف بیشتر از ما بود. باید با حرفه‌ای‌گری بیشتری برابر یوروگویه بازی می‌کردیم. ناامیدی در رختکن بر تمام بازیکنان سایه گسترانده بود؛ چرا که برابر هر دو تیم ایتالیا و یوروگویه نمایش خوبی داشتیم اما در نهایت حتی به تساوی هم دست نیافتیم. دانیل استوریج، مهاجم لیورپول و تیم ملی فوتبال انگلیس هم از شکست برابر یوروگویه بسیار ناراحت است. او گفت: الان احساس می‌کنم که مریض هستم. قلبم شکست. قسم می‌خورم که انگار نابود شده‌ام. از تماشاگران انگلیسی که از ما در دیدار برابر یوروگویه حمایت کردند، تشکر می‌کنم. از همه مردم انگلیس عذرخواهی می‌کنم. همه چیز برای ما تمام شده است.

Mandegar

شما برای کودکان این سرزمین نگریسته‌اید!

نامه‌ی سرگشاده به رییس جمهوری افغانستان

احمد فرهاد مجیدی - عضو مجلس نماینده گان

آقای رییس جمهور!

اگر یاد شما نباشد، که بدون شک هم نیست، ولی به یاد من هست و می‌خواهم به شما یاد آوری کنم که به تاریخ ۹ قوس ۱۳۹۲ نامه‌ی به شما نوشتم که در روزنامه هشت صبح منتشر شد. در آن نامه گفته بودم که این نخستین نامه‌ام به شما در زمان زمامداری شماست و ابراز امیدواری کرده بودم که آخرین نامه‌ام در زمان حکومت‌داری شما باشد. ولی می‌بینم که من محق نبودم و مجبورم دومین نامه را به شما در زمان حاکمیت‌تان بنویسم؛ نامه‌ی چون قصیده انوری که از زبان اهل خراسان به خاقان نوشته بود؛ «نامه‌ی مطلع آن رنج تن و آفت جان/ نامه‌ی مقطع آن درد دل و سوز جگر/ نامه‌ی بر رقص آه عزیزان پیدا/ نامه‌ی در شکنش خون شهیدان مضمهر/ نقش تحریرش از سینه مظلومان خشک/ سطر عنوانش از دیده محرومان تر/ ریش گردد ممر صوت ازو گاه سماع/ خون شود مردمک دیده ازو وقت نظر».

من در آن نامه از کارنامه حکومت‌داری‌تان با همه کاستی‌ها و مشکلات آن تمجید کرده بودم. گفته بودم که شما نقش خوبی در ایجاد روند مردم‌سالاری در کشور بازی کرده‌اید و نگذارید که این نقش با فریفته شدن به «شر قدرت» ملوث شود. من در بخشی از آن نامه به مسایل آینده چنین اشاره کرده بودم: «گذشته و آینده شما به فرصتی گره خورده که در اختیار دارید.

حتما متوجه حرفم شده‌اید. همین پنج ماه آینده را می‌گویم که قرار است در آن انتخابات ریاست‌جمهوری در کشور برگزار شود. بگذارید که این فرصت برای مردم افغانستان به‌عنوان زنده‌گی تازه مطرح شود؛ فرصتی برای زیستمان جدید. نقش شما در انتخابات آینده، بسیار مهم و برجسته است. اگر این انتخابات بتواند به مطالبات مردم پاسخ گوید و انتخاباتی شفاف و بدون دخالت‌های مشخص باشد، مردم دوباره نشاط و سرزندگی سیاسی از دست رفته را باز می‌یابند. از شما توقع می‌رود که برای فراهم شدن هرچه بهتر برگزاری انتخابات عادلانه در افغانستان تلاش کنید. شما در سیزده سال گذشته، حامی ارزش‌های دموکراتیک بودید هرچند در برخی موارد سنت‌گرایی بیش از حد شما به پایمال شدن ارزش‌های دموکراتیک و مردم‌سالارانه نیز منجر شده است. شما رییس‌جمهوری بودید که سنت و مدرنیته را توأمان باور داشتید و هرگز یکی را به نفع دیگری مصادره نکردید. شاید بزرگ‌ترین صدمه را ارزش‌های مدرن از همین ناحیه متقبل شد. اما انتخابات آینده چیزی از جنس دیگر است. انتخابات آینده، آینده و سرنوشت سیاسی کشور را به‌گونه دیگر رقم می‌زند.



در فرایند این انتخابات، مردم شاهد انتقال مسالمت‌آمیز قدرت خواهند بود. در همین حال، این انتخابات آینده شما را نیز مشخص می‌کند. شما در نتیجه این انتخابات یا به رهبر بلامنازع دموکراسی در کشور تبدیل خواهید شد و یا به قاتل آن. پس نگذارید که به قاتل دموکراسی در افغانستان معروف شوید. من انتظار دارم که شما با انتخابات آینده به‌گونه‌ی برخورد کنید که نسل‌های آینده شما را پدر واقعی دموکراسی در کشور بشناسند، همان‌گونه که گاندی را در هند می‌شناسند».

آقای کرزی!

دومین نامه را به این هدف می‌نویسم که دیگر مخاطب آن شما نیستید، چون شما به نظر من دیگر مرده‌اید. شما نتوانستید نقشی را که برای آینده افغانستان بازی می‌کردید، به‌خوبی ایفا کنید. شما را قدرت بلعید و هضم کرد. دیگر شما چهره‌ی محبوب برای مردم افغانستان نیستید. حالا می‌فهمم که شما برای هیچ کودکی این سرزمین نگریسته‌اید. شما از بریدن انگشت‌های هموطنان خود در بدل رفتن به پای صندوق‌های رای خم به آبرو نیاوردید. شما به یک قدرت‌طلب محض تبدیل شدید. حالا به شما هشدار می‌دهم که آینده بدی در انتظار شماست. شما رو سیاه تاریخ می‌شوید و در این هرگز شک نکنید! شما با انتخابات مردم‌تان بازی سیاسی بدی را به‌راه انداختید؛ بازی‌یی که به‌زعم شما مردم باید بازنده آن باشند. نمی‌دانم با این مردم نجیب و شریف چرا این‌همه دشمن هستید! این دشمنی را از کجا آورده‌اید! این مردم چه چوب تری را به شما فروخته‌اند که باید چنین قربانی سیاست‌های قوم‌گرایانه‌تان شوند!... آقای کرزی! از شما گاندی درست نشد، ولی مطمئن باشید که هیتلر درست می‌شود!

استاد عطا محمد نور به تقلب کاران:

منتظر پاسخ مردم باشید!

همدیاران عزیز! مردم سربلند و با غرور افغانستان! می‌خواهم از تلاش، زحمات و فداکاری‌های بی‌دریغ شما در تمثیل روند دموکراسی و مردم‌سالاری، یعنی انتخابات، کمال سپاس و قدر دانی نمایم. شما مردم عزیز و نجیب با وجود همه تهدیدها و فشارهای دشمنان، از تحمل قطع کردن انگشتان ارغوانی‌تان تا شهادت و قربانی‌های فراوان به پای صندوق‌های رای رفتید و در کنار حرمت‌گزاری به روند مردم‌سالاری، زعامت سیاسی خویش را برگزیدید. من قلباً از همه هموطنان عزیزم از بابت شرکت‌تان در این پروژه ملی سپاس گزارم. اما اینکه فرایند این حرکت ملی را چه کسانی و برای چه مقاصدی به بیراهه کشیدند، برای همگان روشن و هویدا است. با توجه به حضور گسترده مردم در دور اول انتخابات و مشخص بودن برنده این دور، که بی تردید تیم اصلاحات و هم‌گرایی بود، شماری از



شمار ولایات نیز می‌دانیم. وجدان‌های مرده در کمیسیون‌های انتخابات به حدی در خود فرو رفته اند که دستگیری مشهود ضیاء الحق امرخیل رییس دبیرخانه کمیسیون انتخابات با دو موتر مواد انتخاباتی و برکه‌های رای دهی توسط پولیس کابل را سوء تفاهم می‌خوانند و با وجود ابراز نظر کمیشنرها مبنی بر غیر قانونی بودن عملکرد امرخیل، جناب نورستانی در حال و هوای دیگر، بی هیچ اسناد حقوقی و قانونی، آنرا از ریشه رد می‌کند. مگر اینها چشم ندارند یا مردم را کور پنداشته‌اند؟ من در حالیکه همه این حرکات ضد منافع ملی و مصالح عمومی کشور را چیزی جز خیانت به مردم افغانستان و بازی با سرنوشت این ملت نمی‌دانم، اعلام رقم هفت ملیون شرکت‌کننده در دور را نیز پیش زمینه بی‌برای توجیه تقلب می‌شمارم. در حالیکه ناظرین ملی و بین‌المللی، نهاد‌های نظارت‌کننده انتخابات، رسانه‌های معتبر بین‌المللی، مردم افغانستان و حتی شماری از کمیشنرها کمیسیون انتخابات، شرکت مردم در دور دوم را به مراتب کمتر از تعداد دور اول می‌شمارند، اما آقای نورستانی...

ادامه صفحه ۶

«کلیک ما را بریدند؛ رأی ما را دزدیدند»!

این اعتراض‌ها قرار است در روزهای آینده میلیونی و سراسری شود.

تیم اصلاحات و همگرایی از مردم افغانستان خواسته که به خاطر حمایت از رأی و انتخابات شفاف و دموکراتیک به جاده‌ها بریزند و دست به اعتراض مسالمت‌آمیز و مدنی بزنند.



ده‌ها تن از فرهنگیان و اعضای جامعه مدنی طی دو روز اخیر در یک اعتراض مسالمت‌آمیز بر ضد تقلب «سازمان یافته و مهندسی‌شده» کمیسیون انتخابات در بخش‌هایی از کابل دست به اعتراض زدند. شماری از جوانان و فرهنگیان در جاده فرودگاه کابل، شماری در مرکز شهر و شماری هم در کارته پروان دست به اعتراض زده و گفته‌اند که اجازه برپایی یک حکومت بر آمده از دل تقلب را نخواهند داد.

این معترضان با سردادن شعارهایی «کلیک ما را بریدند؛ رأی ما را دزدیدند»، تقلب کمیسیون دشمنی است با قانون و... از جامعه بین‌المللی خواسته‌اند که به تقلب‌های سازمان‌یافته کمیسیون‌های انتخاباتی رسیده‌گی کنند.